

## معرفی های اجمالی

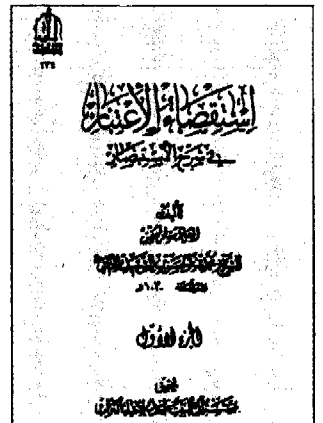
پرداخته اند. (الذریعه، ج ۱۳/۸۳) در میان شرح های مختلف استبصار «استقصاء الاعتبار» از جایگاه بلندی برخوردار است. مؤلف آن، شیخ جلیل، فخرالدین، أبو جعفر محمد بن جمال الدین أبی منصور الحسن بن زین الدین الشهید الثانی است. او دانش اندوزی را در محضر پدر آغاز کرد، و با بهره وری از محضر آن فقیه ژرف اندیش بزرگ و فقیه جلیل القدر سید محمد، صاحب «المدارک» به جایگاه بلندی از دانش و فقاهاست دست یافت (لولؤة البحرین ص ۸۲، و مقدمه کتاب، ج ۱/۱۵) مؤلف پس از ارتحال آن دو بزرگوار به مکه رفت و در محضر میرزا محمد استرآبادی صاحب «کتاب الرجال» به تعمیق و توسیع آموخته هایش پرداخت و به ویژه در حدیث و رجال از آن بزرگوار بسی بهره برد. (همان)

مؤلف گاه به دمشق می رفت و با عالمان عامه دیدار می کرد؛ بهره می داد و بهره می گرفت و در فراگیری و فرادهی مرزهای مذهبی را در می نوردید. پیوستگی پنجساله او با رجالی بزرگ محمد امین استرآبادی او را در دانش رجال به چیرگی عظیمی رساند. گستردگی آگاهی های مؤلف در دانش رجال از شرح مورد گفتگو به روشنی پیدا است.

«استقصاء الاعتبار» کتابی روشمند، دقیق، سودمند و کارآمد است. کتاب کامل نیست و تمام ابواب «استبصار» را شامل نمی شود (الذریعه، ج ۲/۳۰). مؤلف مقدمه ای دارد درازدامن و سودمند، مشتمل بر ۱۲ فایده، که در متن آن از

استقصاء الاعتبار فی شرح الأستبصار، العلامة المحقق، الشیخ محمد

بن الحسن بن الشهید الثانی (م. ۱۰۳۰) ج ۲، قم مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - لأحیاء التراث/ ۱۴۱۹، ۴۸۸+۵۱۸ میراث مکتوب شیخ الطائفة، محمد بن حسن طوسی، بسی پر برگ است و پر بار. از میان چهار کتاب اصلی و معتبر حدیثی شیعی، دو کتاب به خامه آن بزرگوار



است. «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار» چهارمین و آخرین مجموعه یاد شده است. شیخ ابتداء تهذیب را نگاشته و پس از آن «استبصار» را تدوین کرده است. در «استبصار» کوشیده است احادیث تعارض نما را به بحث نهاده، تعارض بدوی آنها را بزدايد. اکنون مجال سخن تفصیلی درباره این کتاب جلیل نیست، اما تأکید بر این نکته زاید نمی نماید که استبصار از همان روزگاران تألیف و نشر همواره مورد توجه بوده و به گفته کتابشناس بزرگ علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی: «در نزد فقیهان شیعه مدار استنباط احکام شرعی بوده است» (الذریعه ج ۲/۱۴). بدین سان عالمان بسیاری بر آن شرح نوشته و یا تعلیقه نگاشته و یا با نگارش حواشی به تبیین و توضیح مطالب آن

بررسی سند روایات و ارزیابی رجال احادیث از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب است.

آنگاه با عنوان «المتن» به جنبه‌های «فقه الحدیثی» احادیث می‌پردازد، و با بحث و بررسی در محتوای احادیث درباره‌ی داوری‌های شیخ در تبیین احادیث و جمع روایات نیز به تفصیل بحث می‌کند. اگر آنچه را شیخ آورده بپذیرد بدان استدلال می‌کند و اگر نپذیرد در نقد آن نیز به تفصیل و دقت و مستدل بحث می‌کند. واگویی و جوه معانی احادیث و عرضه احتمالات مختلف در محتوای روایات و جمع متعارض نشان می‌دهد که مؤلف از گستره دانش و دقت شایسته و استوار فهم برخوردار است، و وصف‌هایی چون «المحقق»، «المدقق»، «فقیه»، «متبحر جامع کامل» و ... درباره‌ی او (مقدمه / ۲۶) کاملاً به جا است.

پس از آنچه آمد گاه در پایان ذیل عنوان «اللغه» به تبیین و توضیح واژه‌های دشواریاب می‌پردازد.

«مؤسسه آل‌البیت لأحیاء التراث» شعبه‌ی مشهد به تحقیق و تصحیح این اثر ارجمند همت گماشته و آن را سامان داده‌اند. کار پژوهش را پنج گروه به عهده گرفته‌اند: ۱. مقابله و سنجش نسخه‌ها و ثبت و اختلاف نسخه‌ها؛ ۲. استخراج اقوال، روایات و غریب الحدیث بر اساس منابع و مصادر معتبر؛ ۳. استوارسازی متن و به دست دادن متن استوار و پیراسته؛ ۴. نگارش حاشیه‌ها و تنظیم پاورقی‌ها؛ ۵. بازنگری نهایی و تنظیم یک دست‌ساز فرایند تلاش‌های گروه‌های یاد شده.

کتاب بر اساس ۴ نسخه است: ۱. نسخه‌ی مدرسه فیضیه که در سه جزء نگاشته شد و مشتمل است بر مقدمه‌ی مؤلف تا پایان کتاب الصلاة، ۲. نسخه‌ی آستان قدس رضوی که به اندازه نسخه‌ی قبلی است، ۳. دانشگاه تهران که بخش‌هایی را دارد، ۴. نسخه‌ی مجلس شورای اسلامی.

محققان افزون بر آنچه یاد کردیم، یعنی تعلیق‌ها و حاشیه‌های سودمند در جهت ارائه منابع و مصادر، ثبت و ضبط اختلاف نسخه‌ها و توضیح مواردی از متن، مقدمه‌ای نگاشته‌اند سودمند و کارآمد درباره‌ی مؤلف، شرح حال و آثار وی، استادان و شاگردان او، استبصار و شرح‌هایش، «استقصاء الاعتبار» و جایگاهش در بیان شروح، امتیازهای این شرح، معرفی نسخه‌های معتمد و شیوه تحقیق و تصحیح. اکنون چهار مجلد از کتاب منتشر شده است. امیدواریم مجلدات دیگر کتاب نیز به زودی منتشر شود.

محمدعلی غلامی

تعریف خبر، حدیث، خبر متواتر، و چگونگی استواری و ناستواری خبر و حدیث و قرائن پذیرش و عدم پذیرش احادیث، چگونگی عمل به خبر واحد و ... با دقت تمام بحث شده است. محققان برخی از ویژگی‌های این اثر فخیم را بدین سان رقم زده‌اند:

۱. شرح دقیق سند روایات و نتیجه‌گیری استوار و دقیق رجالی از فرایند پژوهش.  
 ۲. شرح متن با بیان وجوه محتمل در روایات و ارزیابی و نقد آراء و داوری قاطع درباره‌ی دیدگاه‌ها.  
 ۳. تبیین و شرح واژه‌های دشواریاب احادیث.  
 ۴. نظم استوار، چینش دقیق بحث‌ها و ژرفایی و استواری مطالب.

۵. پیراستگی از تکرار، افزون‌نگاری‌های غیر لازم، و ارجاع به تحقیقات عالمان و فقیهان و ...

۶. گستردگی بحث‌های رجالی. این ویژگی شاید مهم‌ترین ویژگی کتاب باشد. چنانکه پیشتر آوردیم او بیش از پنج سال ملازم رجالی بزرگ محمد امین استرآبادی بود، و چه بسیار آراء رجالی که از استادش و از گفتگوها و درس‌ها گزارش می‌کند که در کتاب رجال وی نیست (ص ۳۲-۳۴). محققان برخی از آراء رجالی مؤلف را بدین سان گزارش کرده‌اند:

۱. روایت بزرگانی چون کلینی از کسی، نشانگر اعتبار او است.  
 ۲. اعتماد بر نقل مراسیل، صلاحیت برای قده رجالی ندارد.  
 ۳. در تعارض اقوال نجاشی و شیخ در جرح و تعدیل، قول نجاشی را مقدم می‌دارد.  
 ۴. اگر نجاشی مذهب کسی را یاد نکند، نشانگر نفی مذهب خاص از او است.

۵. حدیث ابراهیم بن هاشم را «حسن» می‌داند و نه «صحیح».

۶. «اضمار» موجب ضعف حدیث نیست.

۷. وکالت امامان (ع) و ثاقت و کیل را ثابت نمی‌کند.

و ... (ص ۲۵-۳۶)

### شیوه مؤلف

شیوه پژوهش و شرح مؤلف بدین گونه است که مؤلف روایت را گزارش می‌کند و آنگاه ذیل عنوان «السند» به تفصیل سند روایت را به بحث می‌نهد، و رجال سند را یک به یک ارزیابی می‌کند و طرق موجود در اسانید را بررسی می‌کند، و مبانی و مستندات را که رجالیان در داوری‌ها درباره‌ی افراد و طرق داشته‌اند، طرح کرده برای استواری آنها و یا نقد و تزییف آنها استدلال می‌کند. بدین سان - چنانکه پیشتر آوردیم - بخش

## عرفانیات

(مجموعه مقالات عرفانی)

تألیف

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

این کتاب مجموعهٔ چهل و پنج مقالهٔ نویسنده، منتقد و متفکر آشنای دیار اهل قلم، علیرضا ذکاوتی قراگزلو است که یکسر به تبیین، تفسیر و نقد و تحلیل ابعادی از عرفان اسلامی - ایرانی پرداخته است. ذکاوتی کم‌نویس، پخته‌نویس و

سخت‌نگار است. او اکنون در هر موضوعی از موضوعات فرهنگ اسلامی قلم می‌زند بواقع با پشتوانه‌ای از حدود چهل سال مطالعه، تأمل و درنگریستن در ابعاد فرهنگ اسلامی است که می‌نویسد. ذکاوتی کمتر موضوعات مستقلی را به بحث و پژوهش نهاده است؛ او بیشتر ترجمه کرده و یا نقد نوشته است، اما تمام نگاه‌های وی پر نکته است و آموزنده. گویی وی در نقدهای کوتاه و بلندی که بر آثار مکتوب مؤلفان و مترجمان نوشته و می‌نویسد، بیشتر در پی طرح گوشه‌هایی از فرآیند سالیان دراز مطالعه در فرهنگ و ادب اسلامی و ایرانی است، از این روست که نقد و معرفی‌های وی بسی خواندنی و نکته‌آموز است. در طرح مسائل و مباحثی که ذکاوتی به مناسبت نقدها بدان می‌پردازد و یا تحلیلی که از موضوع و محتوای کتاب‌های مورد نقد به دست می‌دهد، نگاه تاریخی او و توجهش به ریشه‌یابی مسائل و باز کردن ابعاد تأثیر و تأثرها نیز تأمل‌کردنی و سودمند است.

این مجموعه با مقالهٔ «نظری به حدیث ماه شب چهارده، مبحث رؤیت و لقاء الله» آغاز می‌شود که نگاهی است به کتاب سودمند دکتر نصرالله پورجوادی با عنوان «رؤیت ماه در آسمان، بررسی تاریخی سند لقاء الله در کلام و تصوف». نویسنده در آغاز به مشکل اساسی پژوهش‌های عرفانی اشاره می‌کند، و نداشتن روش علمی و بی‌توجهی به سیر تاریخی مسائل و بن‌مایه‌های مباحث را از جمله اهم مشکلات این گونه بحث‌ها تلقی می‌کند (ص ۱) و آنگاه در کتاب مورد گفتگو از جمله توجه به نکات یاد شده را از برجستگی‌های آن به شمار می‌آورد. در همین مقاله ذکاوتی با ظرافت چرایی و چگونگی باور به رؤیت خداوند را می‌کاود و ریشهٔ آن را در نوعی تجسیم و تشبیه می‌نگرد و برای مدعا از منابع کهن نمونه‌ها و مؤیداتی می‌آورد (ص ۲ و ۳). آنگاه با بر نمودن درونمایه کتاب و نقش اسرائیلیات

در این مسئله، یادآوری می‌کند که، سهم ایرانیات در تأثیر بر این گونه مسائل تا حدودی نادیده گرفته شده است که جای تأکید و تأمل دارد. (ص ۶)

مقالهٔ دوم با عنوان «مقامات القلوب» ترجمهٔ رسالهٔ «مقامات القلوب» از ابوالحسن نوری (ص ۷-۱۷) است. مقاله «سیری در سیره ابن خفیف» نگاهی است به «سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله ابن خفیف شیرازی» با اشاره‌ای به جایگاه ابن خفیف در تصوف (ص ۱۹-۲۲). مقاله چهارم نگاهی گذرا دارد به «مجموعه آثار ابو عبدالله سلمی» (ص ۲۳-۲۷). مقاله پنجم مقاله‌ای است پر نکته که در آن جنبه‌های مردم‌شناختی و مسائل اجتماعی نهفته در «کیمیای سعادت» غزالی استخراج، تدوین و عرضه شده است؛ اما جایگاه آن در این مجموعه روشن نیست. (ص ۲۹-۵۱)

سپس سه مقاله آمده است که هر یک به گونه‌ای و از زاویه‌ای به شخصیت، اندیشه و افکار عارف گستاخ اندیشه و بلندآوازه قرن پنجم عین القضاة همدانی پرداخته است. در مقاله اول و با عنوان «خاصیت اینگی» که نقد و معرفی کتابی است ارجمند در شرح حال و گزارش آثار عین القضاة همدانی به خامه نجیب مایل هروی، ذکاوتی نکاتی تأمل‌کردنی در نقد، تکمیل و یا تأیید مطالب و دریافت‌های مؤلف آورده است. از جمله اینکه عین القضاة را پیرو عارفان خراسانی نامیدن، با اینکه سهم خراسان بزرگ در فرهنگ و تاریخ ایران را نمی‌شود منکر شد، نوعی بی‌انصافی است (ص ۵۴). نویسنده بی‌اعتنایی عین القضاة را به نظام سیاسی که مؤلف کتاب بدان باور دارد بی‌وجه می‌داند و با ارائه نمونه‌هایی از سخنان و آثار عین القضاة او را عارفی درگیر می‌شناساند (ص ۵۵-۵۶). این مقاله نکته‌های جالب توجه دیگری نیز دارد که برخی به گونه‌ای در مقاله‌های بعدی نیز تکرار شده است. دو مقاله بعدی به روزبهران بقلی پرداخته است؛ اشاره‌ای به ماجرای بی‌توجهی به روزبهران در گذشته‌ها و ویژگی‌های زبانی آثار او و تأثیر روزبهران بر عارفان و شاعران پس از خود از جمله سعدی و حافظ (ص ۸۳-۹۸). ذکاوتی بر این باور است که درباره احوال روزبهران هنوز هم بهترین منبع «روزبهران نامه» است به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه و نشر یافته از سوی انجمن آثار ملی. مقاله «عطار و عرفان ایرانی» که با گزارش نگاه‌های گونه‌گون به عطار آغاز می‌شود و بر ناشناختگی عطار تأکید می‌ورزد و به اینکه به او ظلم شد تصریح می‌کند، مقاله‌ای است خواندنی و ارجمند. ذکاوتی می‌گوید بر خلاف پنداری که برخی دارند و عطار را به درازگویی متهم می‌کنند، در مثنوی‌ها گاهی ایجاز را به اعجاز نزدیک می‌کند (ص ۹۹). عطار مثنوی عرفانی را پیش برده و به ویژه پرداختن

جایگاه والای ابن فارض در میان شاعران عربی گوی تصوف، از زندگی و افکار و اندیشه‌های او سخن گفته، مواضع مخالفان و موافقان را درباره وی برنموده و تنها اثر بر جای مانده از او، یعنی دیوانش را معرفی کرده است. آنگاه چگونگی اشعار و مضامین نهفته در آنها را تحلیل کرده و به واقع کوشیده است به این پرسش که آن همه سخن از معشوقه، خمر، می، و ... در اشعار وی نشانگر چه مفاهیمی است، پاسخ دهد. وی امید می برد این مقاله مدخلی باشد بر پژوهش‌های گسترده درباره ابن فارض در ادب پارسی که کاملاً جای آن خالی است (ص ۱۹۴-۲۳۶).

پس از این مقاله درازدامن «تلخیص مقدمه کتاب کشف وجوه الغر لمعانی نظم الدر» آمده است که کتاب را عبدالرزاق کاشانی در شرح قصیده «تانیه» ابن فارض رقم زده است (ص ۲۳۷-۲۵۷). پس از این دو مقاله، مقاله «حافظ و ابن فارض» در پی بر نمودن همگونی‌های دو شاعر بلند آوازه عربی گوی و فارسی سرای است: یکی بزرگ‌ترین گوینده متصوف در زبان عربی بوده است و دیگری سراینده بهترین غزل‌های عارفانه و عاشقانه در فارسی (ص ۲۵۳-۲۶۷).

شرح نیکلسون بر مثنوی را از بهترین و کارآمدترین شرح‌ها مثنوی دانسته‌اند. این شرح را فاضل دانشور و مترجم چیره دست جناب حسن لاهوتی ترجمه کردند که در شش جلد نشر یافته است. علامه جلیل القدر، «بقیه السلف» فیلسوفان بزرگ صدرایی، حضرت سیدجلال‌الدین آشتیانی، مقدمه‌ای بر این شرح نگاشته‌اند که آقای ذکاوتی از آن چنین یاد کرده‌اند: «... مقدمه عالمانه و عمیق استاد آشتیانی ... که با لذت و مکرر آن را خواندم». مقاله «سیری در مقدمه استاد آشتیانی بر ترجمه شرح مثنوی نیکلسون» در جهت بر نمودن نکات برجسته این مقدمه است. استاد آشتیانی تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی را یکسر نفی می‌کند و آقای ذکاوتی این دریافت و حکم قاطع را می‌ستاید و نکات دیگر ... (ص ۲۶۹-۲۷۹). این نگاه اجمالی به درازا کشید؛ مقالات دیگر نیز که خواندنی و سودمند است. عبارتند از:

نقدی بر نقدی بر مثنوی، ولدنامه، رباب‌نامه، انتهانامه، نسایم گلشن یا شرح گلشن راز، جامع الأسرار و منبع الأنوار، المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح الفصوص، تصوف در آثار ابن تیمیه، یادی از ابن عطاء الله اسکندری، طریقه شاذلی در مصر، شاه نعمت‌الله ولی، سیری در آثار میرسید علی همدانی، نگاهی به فتوت‌نامه میرسید علی همدانی، چهل مجلس یا رساله اقبالیه، مصنفات فارسی علاءالدوله سمنانی، انیس الطالبین و عده السالکین، فوائد الفؤاد، وصفی از صفوة

قصه‌های بلند و تمثیل‌های کوتاه دارای محتوای صوفیانه را باب کرده است (ص ۱۰۰). سومین نکته سهم ارجمند عطار است در رباعی و غزل و قصیده عرفانی، توضیح این نکته در متن مقاله تأمل کردنی است (ص ۱۰۰-۱۰۱). مقاله اشاره‌ای هوشمندانه دارد به شاهکار داستانسرایی او. شیخ صنعان و آخرین نکته درباره آن حکایت اینکه «شیخ صنعان» حکایت تحول و ارتقای نفس انسانی است (ص ۱۰۴).

مقاله خواندنی دیگر این مجموعه مقاله «سیر مسئله توحید در عالم اسلام تا قرن هفتم هجری» به خامه عثمان اسماعیل یحیی است، که آقای ذکاوتی آن را ترجمه کرده است (ص ۱۰۷-۱۲۹). دو مقاله دیگر به «فصوص الحکم» پرداخته است و جایگاه مهم آن را در عرفان نظری با عناوین «نگاهی به شرح فصوص الحکم» و «پژوهشی دیگر در فصوص الحکم» را گفته است. (ص ۱۳۱-۱۴۶)

شیخ عبدالوهاب شعرانی (م ۹۷۳) عارف متشرع مصری کوشیده است مبانی عرفان نظری را با شریعت وفق دهد. به ویژه در دو کتاب خود «الیواقیت و الجواهر» و «الکبریت الأحمر» ضمن تلخیص و تنظیم مطالب فتوحات مکیه ابن عربی، سعی کرده مشکلات آن را حل کند و موارد ابهام و یا شبهه‌انگیز آن را مرتفع سازد (ص ۱۹۷). آقای ذکاوتی شانزده بند اول الکبریت الأحمر را ترجمه کرده است تا «برای علاقه‌مندان به عرفان نظری و در راه مطالعه و مراجعه به اصل کتاب شوق‌انگیز باشد» (ص ۱۴۸-۱۵۴). مقاله «سرگذشت و اندیشه‌های ابن سبعین» گزارشی است از شرح حال، آثار و اندیشه‌های ابن سبعین صوفی متفلسف یا فیلسوف متصوف اندلسی (ص ۶۱۳-۶۶۹). این مقاله نیز نوشته‌ای است خواندنی و با توجه به اینکه در ادب پارسی پژوهشی در خور، درباره ابن سبعین نیست، سودمند و کارآمد. (ص ۱۵۴-۱۶۴)

مقاله «حافظ و ابن عربی شاعر» در پی بازگویی شباهت‌های ابعاد اندیشه ابن عربی و حافظ است. مؤلف گویند که پیروی حافظ را در «وحدت وجود» از «ابن عربی» بعید می‌داند و بر استنباط این نکته از اشعار حافظ که حافظ شناسانی انگشت نهاده‌اند، خرده می‌گیرد؛ اما وجوه مشابهت و قابل قیاس این دو شخصیت بزرگ را کم نمی‌داند (ص ۱۶۵-۱۶۶). با این همه تأکید می‌کند که وجوه افتراق آنها نیز کم نیست (ص ۱۶۵-۱۷۹). «پرتو ذات و تجلی صفات» نیز بحثی درباره دیوان حافظ و نمود این عنوان در اشعار او است (ص ۱۸۱-۱۹۲).

مقاله بیستم، مقاله‌ای است بلند با عنوان «ابن فارض، شاعر حب الهی». آقای ذکاوتی در این مقاله بلند، ضمن تأکید بر

ارجمند مشتمل است بر مقدمات تفسیر، و تفسیر سوره های حمد تا نساء آیه ۵۸.

مؤلف مقدمه کتاب را در چهار فصل رجم زده است: در فصل اول از «اعجاز قرآن» سخن گفته است و مانند ناپذیری این کتاب الهی را از جهات مختلف و زاویه های گونه گونه در نهایت اختصار و استواری باز گفته است. عناوین بحث آن بزرگوار در بخش چنین است: معجزه چیست؟ چرا معجزه دلیل است، گونه گونی معجزات پیامبران از چیست؟ قرآن چگونه معجزه است و چرا مانند ناپذیر است؟ قرآن برتر از معجزات دیگر، مانند ناپذیری قرآن از نظر تاریخ، مانند ناپذیری قرآن از منظر استدلال، مانند ناپذیری قرآن از نظر نداشتن اختلاف و تناقض، مانند ناپذیری قرآن از نظر تشریح نظام عادل، مانند ناپذیری قرآن از نظر اخلاق و مقایسه اخلاق در قرآن با اخلاق در تورات و انجیل، مانند ناپذیری قرآن از نظر علم به غیب و چگونگی انجیل ها در این مقوله. در فصل دوم تفسیر، مؤلف ژرفنگر آن از جمع قرآن سخن گفته است و پس از نشان دادن اضطراب روایات در چگونگی جمع، به نقد و تزییف برخی از روایات منقول در منابع حدیثی عامه پرداخته و کوشیده است تا چهره منور کتاب الهی را از هر گونه دگرگونی، دگرسانی و تحریف پیراسته سازد. بدین سان به بحث «تحریف» پرداخته و از ابعاد مختلف، این موضوع را به اختصار کاویده و تحریف ناپذیری قرآن را به اثبات رسانده است. در فصل سوم مؤلف جلیل ما از قرائت کتاب الهی سخن گفته است و تواتر قرآن و ناستواری تواتر قرائت های هفتگانه و ... را روشن کرده است. در فصل چهارم از تفسیر، مقدمات و لوازم آن بحث کرده و نقش فهم و بازشناسی مفردات در تفسیر قرآن و چگونگی بحث و فحص از واژه ها برای دستیابی به معنای درست آن و نیز نقش سنت و عترت را در تفسیر قرآن، به اجمال اما با استواری بررسی کرده است. پس از این فصول که به واقع از جمله بحث های بس ارجمند و راهگشا در مباحث علوم قرآنی است، تفسیر آغاز می شود. از سوره حمد تا آیه ۵۸ سوره نساء. یادآوری کنم که بحث علامه بلاغی از تحریف ناپذیری و جمع قرآن با همه گزیده گوی، بسی استوار و پر نکته است. پژوهش های پس از وی در این بحث از «البیان» آیت الله خوئی (ره) تا دیگر پژوهش ها عملاً بن مایه های بحث را از وی گرفته اند.

تفسیر آیات سوره حمد در سنجش با آیات سوره دیگر اندکی به تفصیل نگاشته شده است. در ضمن تفسیر سوره حمد از محل نزول سوره، چگونگی قرائت «بسمله» بحث دیرپای «خَلَقَ قرآن» «عبادت» چگونگی و چرایی حصر «استعانت» به الله،

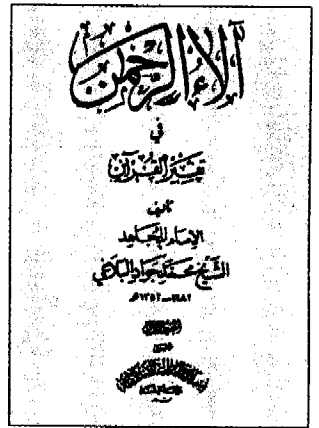
الصفاء، تفسیرهای مکتب شیخ صفی الدین اردبیلی بر اشعار عرفانی، مقامات جامی، تحلیلی بر کتاب مجالس العشاق. برای جناب ذکاوتی توفیق مدام را مسئلت دارم. امیدوارم دیر بزیند و شاداب و استوار بنگارند و بهره رسانند.

علی محمد علوی

آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، الامام المجاهد الشیخ محمد جواد

البلاغی: ج ۱ و ۲ تهران، مؤسسه البعثة (قسم الدراسات الاسلامیه) ۱۴۲۰، ۵۶۰+۴۷۳ ص.

عالم جلیل، متکلم و متفکر بزرگ شیعی، مدافع نستوه مرزهای عقیده حضرت آیت الله حاج شیخ جواد بلاغی از فقیهان، ادیبان، متکلمان و مفکران بزرگ قرن چهاردهم هجری است. آگاهی آن بزرگوار



از فرهنگ های گونه گون و چیرگی وی بر مباحث اسلامی، باعث شده بود که آثارش در ژرفایی، استواری کم نظیر باشد. علامه بلاغی، در پیراسته جانی، معادباوری، فرشته خوئی کم نظیر بل بی همانند بود. استاد عالیقدر حضرت محمدرضا حکیمی در اثر زیبا و ارجمندش «بیدارگران اقالیم قبله» وجوه شخصیت وی را بدین سان رقم زده است: در ادب و آشنایی ژرف با ادبیات، زبان های دیگر، انسانگرایی. آگاهی از ادیان و عقاید، اخلاق، و در این بُعد جلیل، یعنی اخلاق، پاکی نیت، سلامت نفس و انتقادپذیری، فروتنی، کوشش، خوی پاکیزگان (/۲۱۴-۲۰۸). از جمله آثار ارجمند بلاغی، کتاب جلیل «الهدی الی دین المصطفی» است. نویسنده گرانقدر عراقی دکتر توفیق الفکیکی درباره آن نوشته است:

«الهدی» بهترین کتاب ها و آثار بلاغی است. نمونه ای است از خرد مبتکر و دانش وسیع او و برهانی است بر احاطه او به تاریخ ادیان و شرایع و عقاید و ...

وی درباره «الرحله المدرسه» که به صورت گفتگویی میان چند تن درباره کتاب های آسمانی سامان یافته است، نوشته است: «الرحله المدرسه اثری است برآمده از تحقیق وسیع و نیرومند و تفکر عمیق و ذوق سرشار و سبک ابتکاری بلاغی در داستان نویسی و ...». (همان، ص ۲۰۳ و ۲۰۶)

تفسیر گرانسنگ بلاغی از جمله آخرین آثار او است که با بدرود گفتن زندگی، سوگمنده نام تمام مانده است. این اثر

استشفاع الی اللہ، استشفاع به مقربان از اموات و شفاعت بحث شده است. نگارنده در مقامی دیگر گفته است که تفسیر و تبیین مفسران از «عبادت» و مفهوم دقیق آن غالباً دچار مشکل است، دقیق‌ترین تفسیر از مفهوم «عبادت» را بلاغی در بحث کوتاه خود، ذیل «ایاک نعبد» ارائه داده‌اند که اکنون مجال تفصیل آن نیست.

به هر حال، تفسیر «آلاء الرحمن» در دو بخش و یک مجلد نشر یافته بود: بخش اول در ۳۹۲ ص به قطع وزیری، شامل مقدمه تفسیر و تفسیر سوره حمد و سوره بقره و سوره آل عمران؛ بخش دوم در ۱۴۹ ص، شامل تفسیر سوره نساء تا آیه ۵۸.

بخش تحقیقات «بنیاد بعثت» سال‌ها پیش به تحقیق، تصحیح و نشر شایسته آن همت گماشت. این چاپ در دو جلد سامان یافته است. جلد اول شامل مقدمه تفسیر و تفسیر سوره حمد و بقره و جلد دوم شامل تفسیر سوره آل عمران و ۵۸ آیه از سوره نساء.

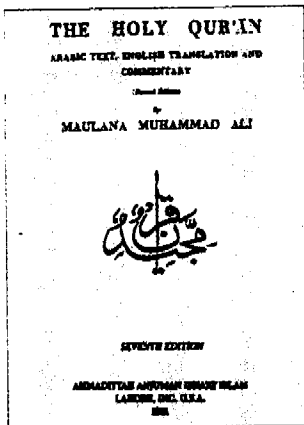
محققان برای تحقیق و تصحیح چاپ «صیدا» را اصل قرار داده. و احادیث منقول و اقوال تفسیر را به منابع اصلی ارجاع داده‌اند؛ گرچه مؤلف از منابع واسطه نقل کرده باشد.

مؤلف بزرگوار، خود حواشی و تعلیقاتی بر کتاب داشته است. همه آن حواشی در این چاپ آمده و با جمله «منه قدس سره» از حواشی محققان متمایز شده است. شرح حال اعلام و رجالی که از آنها در متن یاد شده است، به اجمال آمده و منابع شرح حال آنان یاد شده است. محققان کوشیده‌اند با دقت در متن و سنجش متن با منابع و مصادر، متنی استوار و منقح عرضه کنند. آنان در پانویس‌ها و واژه‌های دشواریاب را توضیح داده‌اند، و گاه توضیحاتی برای تبیین مطالب متن افزوده‌اند. در پایان جلد دوم فهرست‌های فنی را قرار داده‌اند: فهرس احادیث، اعلام، اشعار و مصادر و مراجع تحقیق و کتاب‌های یاد شده در متن. گفتیم کتاب علامه بلاغی گزیده‌گویانه است، و تفسیر آیات - گو اینکه بسی استوار و روشنگرانه است - در نهایت اختصار به قلم آمده است؛ اما گاه مؤلف لازم دانسته است که عنان قلم را رها کند و به مناسبت‌هایی بحث‌های موضوعی گسترده‌ای را رقم زند. افزون بر این، موضوعات بسیاری نیز در ذیل آیات به اختصار تفتیح و تبیین شده است. از این روی جای فهرستی موضوعی و دقیق در میان فهرست‌های محققان خالی است.

نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم: در جلد اول به مناسبتی که از «حذف» در کلام سخن رفته است، مؤلف یادآوری کرده‌اند حذف آنچه از سیاق کلام فهمیده می‌شود، از ابواب بلاغت نزد عرب است و در نثر و شعر آنها فراوان نمونه دارد. برای اثبات

این مدعا بحثی کوتاه پی افکنده‌اند که بسیار نکته آموز و سرشار از نمونه‌هایی از سروده‌های شاعران و ادیبان روزگاز نزول قرآن است (ج ۱، ص ۷۴-۱۶۹). ذیل آیه ۱۹۶ سوره بقره به مناسبت طرح بحث حج و مسائل مرتبط با آن به تفصیل درباره «عمره تمتع» بحث کرده و در این مسئله اختلافی، با استناد به روایات فریقین موضع شیعه را استوار داشته‌اند (ج ۱، ص ۳۲۲-۳۳۲) در ذیل آیه ۱۲ از سوره نساء به تفصیل از «کلالة» بحث کرده‌اند و آنگاه به مناسبت وارد بحثی تاریخی شده‌اند؛ بحثی آمیخته به سیاست در روزگار پس از رسول اللہ (ص) و احتجاج حاکمان و سیاست‌بازان در برابر فاطمة اطهر (س) به حدیثی مجعول که «پیامبران میراثی وانمی نهند» و پاسخ آن و نقد و تحلیل ژرف روشنگرانه (ج ۲، ص ۲۶۶-۳۱۳). بحث‌های فقهی و کلامی به ویژه بحث‌های کلامی بین‌الدیانی آن بزرگوار در مناسبت‌ها بسی خواندنی است. به هر حال فهرست موضوعات برای این تفسیر بسی لازم بود. پژوهش محققان سودمند و ارجاع و مصدریابی آنها دقیق و کارآمد است. شکر الله مساعیهم الجمیله محمدعلی مهدوی راد

قرآن مجید، ترجمه انگلیسی، مترجم: مولانا محمدعلی، تاریخ نشر



۱۹۹۱، نشر: انجمن احمدیه اشاعه اسلام.

فرقه قادیانی که امروزه به عنوان فرقه احمدیه شناخته می‌شود، در سال ۱۸۸۹ میلادی توسط غلام احمد قادیانی از مردم قادیان پاکستان بنیانگذاری شد. با توجه به نوع تعالیم و آموزه‌های این فرقه، گروهی بر این عقیده

هستند که فرقه مزبور، زاینده جریان سازی دینی انگلیسی‌ها در اواخر قرن نوزدهم در خاورمیانه است.

عمده تعالیم فرقه یاد شده را می‌توان در چهار امر خلاصه کرد:

۱. مسیح زنده است و رجعت می‌کند؛
۲. حضرت مهدی مظهر مسیح (ع) و محمد (ص) است که در غلام احمد قادیانی تجلی پیدا کرده؛
۳. جهاد با شمشیر حرام است؛
۴. نبوت پایان پذیرفته، ولی الهام و ارتباط با عالم قدس پایان نیافته است.

هم آهنگ کردن قرآن‌های اصحاب و توجیه کار وی و اصالت آن بحث پایانی این مقدمه است.

مترجم افزون بر این مقدمه کلی، در آغاز هر کدام از سوره‌ها مقدمه‌ای کوتاه ارائه می‌کند که در آن مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در سوره، علت نامگذاری و بحث‌هایی را که به کل سوره مرتبط است می‌آورد. مترجم آنگاه شروع به ترجمه آیات می‌کند. از جمله نکات قابل توجه در ترجمه وی، ترجمه حروف مقطعه است. به عنوان نمونه «الم» در آغاز سوره بقره را چنین ترجمه کرده است: *I, Allah, am the best knower*. در توجیه این تفسیر ضمن بیان دیدگاه‌های گوناگون درباره مفهوم این کلمات، یادآور می‌شود که الف اشاره به انا، لام اشاره به الله و میم اشاره به عالم است و خداوند از کلمه انا، اولین حرف و از کلمه الله، حرف وسط و از کلمه عالم، حرف آخر را برگزیده است.

مترجم با دادن عناوین به بخش‌های گوناگون هر سوره به نوعی به موضوع بندی سوره‌ها پرداخته است. وی تلاش کرده ترجمه‌ای روان از قرآن ارائه کند و به مقدار زیادی از دخالت باورهای فرقه‌ای خود در ترجمه قرآن پرهیز کرده است. ولی این امر در بخش تفسیر همواره مورد توجه قرار نگرفته است و دقت در تفسیر پاره‌ای از آیات، گرایش‌های فرقه‌ای وی را نشان می‌دهد که برجسته‌ترین آن در مبحث خاتم الانبیاء (ص ۸۱۲) است. وی تلاش کرده ضمن ارائه تفسیری برای خاتم، به پایان گرفتن اصل نبوت و بقای ارتباط قدسی و الهام به پاره‌ای از پیروان مخلص اسلام تأکید کند. بحث وی را ذیل آیه مزبور به تفصیل در ذیل می‌خوانید:

«واژه خاتم به معنای مهر، آخرین قسمت و یا قسمتی از چیز است. مفهوم اخیر معنای اصلی واژه خاتم - به کسر تاء - است. خاتم القوم همواره به مفهوم آخرین نفر و آخر القوم می‌باشد. از آنجایی که پیامبر اکرم (ص) بدون تردید آخرین پیامبران است و حتی تاریخ، ظهور هیچ پیامبری پس از وی را در جهان گزارش نمی‌کند، قرآن کریم واژه خاتم و نه خاتم را برای وی برگزیده است. و مفهوم عمیق آن در واژه خاتم به مفهوم مهر وجود دارد و نه واژه خاتم به معنای پایان. و از این روی واژه یاد شده به این امر اشاره می‌کند که خاتمیت با ادامه تکمیل نبوت توسط پیروان مقدس و مخلص وی قابل جمع است. او مهر و خاتم پیامبران است؛ چون با آمدن ایشان موضوع پیامبری در شکل تجلی اراده الهی در جعل قانون راهنمای انسان با نزول قانون عالی قرآن کامل شده است. وی مهر و خاتم پیامبران است؛ چون لطف

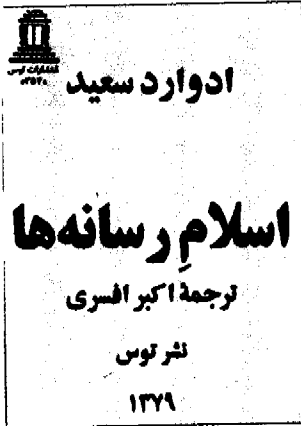
این فرقه یکی از گروه‌های بسیار فعال در خارج از مرکز پیدایش خود (پاکستان) است و در بسیاری از کشورها خود را نماینده واقعی اسلام معرفی می‌کند. شیوه تبلیغ این گروه تا حدود زیادی برگرفته از روش‌های مسیحی است. بنیان‌گذاری مدارس ابتدایی، دبیرستان و دانشگاه؛ ساختن بیمارستان و کلینک و ارائه خدمات بهداشتی در کشورهای جهان سوم، نشر کتاب و جزوه و به ویژه کتاب‌های همراه، چاپ و نشر قرآن، اعزام مبلغ و سخنران، از جمله کارهای متداول آنان می‌باشد. توجه به ترجمه و نشر قرآن به زبان‌های گوناگون در رأس برنامه‌های تبلیغی آنان قرار دارد. بیشترین ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر در شکل ترجمه کامل و یا ترجمه پاره‌هایی از قرآن و به ویژه ترجمه و نشر جزء آخر آن، مربوط به این گروه است.

از جمله ترجمه‌های پر نشر این گروه، ترجمه قرآن به زبان انگلیسی توسط مولانا محمدعلی است. وی یکی از نویسندگان پرنویس این فرقه می‌باشد، و کتاب‌هایی به زبان انگلیسی و اردو، از قبیل «دین اسلام»، «حضرت محمد»، «خلیفه اول»، «بیان القرآن» در سه جلد، «تفسیر صحیح بخاری»، «مقام الحدیث» و «نبوت در اسلام» نوشته است. ترجمه و تفسیر وی از قرآن کریم یکی از قدیمی‌ترین ترجمه‌ها به زبان انگلیسی است. اولین چاپ آن در سال ۱۹۱۷ میلادی بود و در سال ۱۹۵۱ میلادی در چاپ چهارم، مترجم آن را دوباره ویراستاری کرد و با مقدمه‌ای که بیانگر چگونگی استقبال مردم و دانشوران از ترجمه وی است، نشر داد.

این ترجمه با مقدمه‌ای نسبتاً طولانی شروع می‌شود. مترجم در این مقدمه نخست بحثی درباره تاریخ و چگونگی نزول قرآن ارائه می‌کند. تأثیر و نقش بزرگ اسلام در جهان را می‌نمایاند و اینکه چگونه قرآن توانست از مردمی بی سواد و بت پرست قدرتی بزرگ و تأثیرگذار به وجود آورد. رابطه قرآن با کتب آسمانی پیشین، بحث بعدی آن است که در آن چگونگی تاریخ نگاری قرآن نیز بحث شده است؛ دیدگاه آزاد منشانه قرآن نسبت به ادیان دیگر و روش متساهل آن با ادیان و مردم دیگر، بحث بعدی است که در آن در پی نفی اتهام گسترش اسلام توسط شمشیر است. حیات اخروی از منظر قرآن، مبحث دیگر این مقدمه می‌باشد. دیدگاه قرآن نسبت به زن و این که نگرش قرآن به آن نگرشی مترقی است، بحث بعدی وی است. چگونگی گردآوری قرآن و قرآن‌هایی که اصحاب پیامبر نوشتند، قرائت‌ها و استناد گردآوری و قرائت قرآن به پیامبر (ص)، دستور عثمان به

نآوت برای همیشه به پآروان وی ارزانی شده است . مقام نآوت تنها برای هدآیت انسان از طریق ارآئه قانون جدید، رفع عآوب و نقائص قانون قبلی و یا ارآئه راهنمایی هایی برای مواجهه با نیازهای زمان است . چون موقعیت جامعه انسانی اولیّه، اجازه نزول قانون عالی را که بتواند با نیازهای نسل های گوناگون و مکان های مختلف هماهنگ باشد، نمی داد از این روی پیامبران به طور مداوم ظهور می کردند . ولی از آن جایی که به پیامبر اکرم، عالی ترین قانون ارزانی شده است، قانونی که با نیازهای همه مکان ها و همه نسل ها هماهنگ است و در برابر هر نوع فسادی محفوظ نگه داشته شده، مقام پیامبری بیش از این مورد نیاز نیست . ولی این بدان معنی نیست که عنایت های آسمانی که برای بندگان برگزیده ارزانی می شد، از بندگان مخلص دریغ شده است .

اسلام رسانه ها، ادوارد سعید، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس، ۱۳۷۹، ص ۲۶۳ و زیری .



انسان زیباخواه و زیباجو است . از خوبی ها، زیبایی ها، شایستگی ها، ارزش ها و هر آنچه در حوزه خوبی ها است، خوشنود می شود و به آن دل می بندد و از زشتی، بدی، بی لیاقتی و هر آنچه به این قلمرو مرتبط است، متنفر و از آن گریزان است . ادبیات، هنر

و فنون زآیده روح زیباجویی و پاسخی به نیاز زیباخواهی انسانی است . پذیرش امری از سوی انسان یا به طور کامل وابسته به ارآئه زیبا آن است و یا بخش عمده آن در گرو چنان ارآئه و عرضه می باشد . حضور باطل و نادرستی در مجموعه باورها و پذیرفتنی های جامعه بشری، تا حدود زیادی از عرضه آراسته و زیبای آن ناشی می شود و در مقابل، گریز از درستی و خوبی نیز مدیون کج سلیقتی و بی ذوقی مدافعان درستی ها و خوبی ها است .

اسلام در عصر حاضر در قلمرو خویش و در بیرون از آن به طور گسترده از این آفت و بیماری رنج می برد . مدافعان بی ذوق و نااهل و مخالفان زیرک و تیزهوش، بخشی از دام تار عنکبوتی است که به دست و پای اسلام در جهان معاصر بسته شده است . مدافعان سنتی اسلام همواره بر طبل طرد و نفی کامل می کوبند و حتی واقعیت های آشکار و ملموس را انکار می کنند و بی آن که به مرزی بین عملکرد مسلمانان و متن اسلام قایل شوند، به نام دفاع از اسلام همه چیز را نفی و یا اثبات می کنند . مطلق گرایی و پرهیز از پذیرش اصل نسبیت در برداشت های بشری از دین موجب شده است مدافعان سنتی اسلام در جهان معاصر به اجبار از هر برداشتی از دین و هر عملکردی مبتنی بر آن و یا با آمیزه ای از خواست های نفسانی، به نام دین از آن دفاع کنند . نتیجه غیرقابل تردید چنین فرآیندی، مسلح کردن دشمن تیزهوش و

انسان ها به قانون جدید نیاز ندارند؛ چون بهترین قانون دارند . ولی همچنان به عنایت ها و الهام های الهی نیازمندند . عالی ترین این عنایت ها، الهام های آسمانی است و اسلام سخن گفتن عالم قدسی با بندگان برگزیده را در حال حاضر نیز - همچون گذشته - قبول دارد؛ اما این افراد به مفهوم دقیق کلمه پیامبر نیستند . طبق حدیثی بسیار موثق پیامبر (ص) فرمودند: «در بین امت من کسانی هستند که با آنان سخن گفته می شود، ولی آنان پیامبر نیستند .» (بخاری، ج ۴، ص ۲۰۰) در بخش دیگر از همین حدیث، از این افراد به نام محدث یاد شده است . آنچه گفته شد با کلام دیگری از پیامبر اکرم (ص) تأیید می شود که فرمود: «از پیامبری جز بشارت باقی نمانده است .» از وی سؤال شد: «منظور از بشارت چیست؟» وی فرمود: «رؤیای صادقه است .» (۶۹/۸) طبق حدیث دیگری که از وی نقل شده است، فرمود: «رؤیای صادقه مؤمن یکی از چهل و شش شعبه پیامبری است .» (۶۸/۸) پیامبری پایان یافته اما یکی از بخش های آن باقی مانده و برای همیشه در بین پآروان پیامبر اکرم وجود خواهد داشت .

این تفسیر نمونه ای از تلاش وی برای پذیرش دیدگاه افرادی چون غلام احمد قادیانی مبنی بر ارتباط با عالم قدس و تجلی مسیح (ع) و محمد (ص) در وی است .

دیدگاه فرقه احمدیه، نسبت به ادیان دیگر از نوعی تساهل وسیع و گسترده برخوردار است . این دیدگاه را مترجم مزبور افزون بر مقدمه ترجمه، در ضمن آیات مختلف یادآور شده است .

نکته قابل توجه در این ترجمه، همگونی و قرابت بسیار آن با



قدرت مند به سلاح برنده فرهنگی - تبلیغی است .

جنگ صهیونی که غرب در عرصه تبلیغات علیه فرهنگ شرقی و به ویژه فرهنگ و تمدن اسلامی به راه انداخته است ، دو سویه کاملاً هماهنگ دارد . سویی از آن در درون جوامع شرقی و به ویژه جامعه های اسلامی و در عملکرد مدافعان سنتی حاکم در جهان اسلام قرار دارد که مظهر و نمود آن در چالش ها و خشونت های توجیه ناپذیر به نام اسلام و با هدف دفاع و حراست از حاکمیت و استمرار قدرت حاکمان است و سوی دیگر آن انتخاب ها و گزینش های حساب شده از عملکرد حاکمان یاد شده برای ارائه به جهان غرب به عنوان معرفی اسلام است که از سوی رقم زندگان فرهنگ عامه در رسانه های گوناگون و پر قدرت غربی ، انجام می گیرد .

بررسی موردی «چگونگی ارائه اسلام در رسانه های غربی» یکی از پروژه های ارزشمندی است که باید مدافعان راستین اسلام به آن بهای لازم را بدهند و از این رهگذر آگاهی های مورد نیاز برای تعیین خط مشی درست و کارآبرای دفاع از کیان اسلام در جهان معاصر را به دست آورند . چنین مطالعه ای به طور جدی مورد غفلت قرار گرفته و از سوی مسلمانان کار قابل تقدیر و شایسته ای انجام نگرفته است . مطالعه ای نه جانب دارانه و نه کینه توزانه ؛ بلکه واقع بینانه ای لازم است تا فرایند ارائه اسلام در رسانه های غربی به خوبی شناسایی گردد . گرچه نتیجه چنین مطالعه ای ممکن است برای مدافعان سنتی اسلام چندان خوشایند نباشد ، ضرورت آن همچون داروی تلخی است که برای نجات روند «دفاع از اسلام» حکم شفا را دارد و خوشایندی و ناخوشایندی نمی تواند نقشی کارساز داشته باشد . ادوارد سعید ، مسیحی فلسطینی تبار آمریکایی در مجموعه مقالات «اسلام رسانه ها» تا حدودی به این موضوع پرداخته است . ادوارد سعید یکی از نادر نویسندگان غرب است که تلاش می کند رابطه شرق و غرب را به دور از سایه سنگین اطلاعات ساختگی رسانه های غربی ، مورد پژوهش قرار دهد و واقعیت های موجود در ورای اطلاعات رسانه ای را بنمایاند . وی در این راستا چندین اثر از خود بر جای گذاشته که آخرین و صریح ترین آن «اسلام رسانه ها» است .

خود درباره کتابش می نویسد :

موضوع مورد بحث من در اسلام رسانه ها ، زمان معاصر و کاملاً نزدیک به ما است . برخوردها و پاسخ های آمریکا از اوایل دهه هفتاد [قرن حاضر] نسبت به مسائل جهان اسلام با برداشت خاص خود که در گستره وسیعی مطرح است .

ادوارد سعید از چند جهت برای چنین بحثی شایستگی دارد : نخست آنکه وی متعلق به جهان اسلام نیست و به طور طبیعی مباحث را جانبدارانه مطرح نمی کند و از بیان ضعف ها و کاستی ها در عملکرد مسلمانان ابایی ندارد و به خوبی می تواند آن بخش از کارهای مسلمانان را که زمینه لازم برای سوء استفاده و تهاجم خبری غرب در اختیار آنان قرار می دهد ، تبیین کند . دو دیگر آنکه وی متعلق به فرهنگ شرقی است و فرهنگ اسلامی نیز بخشی از فرهنگ و تمدن شرق می باشد و بدیهی است همچون بسیاری از غریبان از واقعیت های ریز و درشت جوامع اسلامی بی خبر نیست و براحتی می تواند واقعیت ها را حتی در شرایط نامساعد خبری غرب ببیند و بین آنچه که اسلام و مسلمانان می گویند و بین آنچه که رسانه های غربی از اسلام ترسیم می کنند ، فرق بگذارد .

سه دیگر آنکه ادوارد سعید ، نه خود را غربی می پندارد تا نسبت به فرهنگ غرب تعلق خاطری شیفتگی آور ایجاد کند و نه با فرهنگ اسلامی گذشته ای تلخ دارد تا به کینه توزی کشانده شود . بنا بر این می تواند هم از شیفتگی رها باشد و هم در دام کینه توزی گرفتار نگردد .

چهارم آنکه ادوارد سعید در زمینه شناخت سیاست های خبری غرب صاحب نظر است و می تواند بدون گم کردن خطوط اصلی و در عین حال کم رنگ سیاست های خبری رسانه ها ، به تحلیل مباحث مطروحه در رسانه ها پردازد و حقایق را از لابلای انبوه پیرایه ها و آرایش ها بیرون بکشد .

این ویژگی ها است که ادوارد سعید را به قول تونی موریسون برنده جایزه نوبل ، به «استادی بی پروا در ظرفیت های تحلیل ادبی و اجتماعی» تبدیل کرده است و به تعبیر هفته نامه گاردین وی «... متعلق به آن گروه کوچک روشنفکران آمریکایی است که درباره جهان ، پیرامون حرفی برای گفتن و قلمی دلپذیر در نوشتن دارد» . (از منقولات مترجم در پشت کتاب درباره سعید و کتاب «اسلام رسانه ها»)

کتاب ادوارد سعید دو مقدمه ، نه مقاله و یک بعدالتحریر دارد . در مقدمه ای که وی برای چاپ اول کتاب خود در سال ۱۹۸۰ نوشته است ، از روش برخورد رسانه های غربی با مسئله «اسلام و خاورمیانه و به طور کلی شرق» سخن می گوید و بر این باور است که برخلاف دیگر موضوعات در این باره برخورد محققانه و کارشناسانه انجام نمی گیرد و رنگ غالب برخوردها تبلیغی و سطحی و هدف دار است و همین امر مانع جدی برای مردم غرب در راه شناخت اسلام است و تأکید می کند :

فراوانی به عنوان نمونه ارائه می‌کند. مقاله بعدی کتاب با عنوان «مراکز تفسیر» است که در آن نقش نفت خاورمیانه در چگونگی شکل‌گیری ذهنیت تحلیل‌گران مسائل خاورمیانه و به ویژه اسلام را در رسانه‌های غربی نشان می‌دهد. مقاله دیگر عنوان «شاهزاده خانم سعودی» را دارد که ادوارد می‌کوشد چگونگی بهره‌گیری رسانه‌های غربی از یک سوژه جنسی - قضایی در عربستان را تبیین کند. وی در همین مقاله مفهوم «اسلام و مواجهه آن با خطر» را از دید حاکمان کشورهای اسلامی می‌نمایاند. ادوارد با تیزهوشی نشان می‌دهد که غیرت دینی حاکمان جهان اسلام تنها زمانی به غلیان می‌آید که منافع شخصی آنان در خطر باشد و گرنه چندان دل در گرو دفاع از اسلام ندارند. وی می‌نویسد:

وقتی مناقشه شاهزاده خانم فروکش کرد، دولت سعودی فراموش کرد که به مقاله‌ای که اریک هوفر در امریکن اسپکتور به نام «محمد پیامبر رخوت» نوشته بود، کوچک‌ترین پرخاشی به این مقاله موهن بکند... چگونه است که اسلام تنها در جاهای معینی صدمه می‌خورد؛ اما در جاهای دیگر در امن و امان است. (ص ۱۴۲)

مقالات جنگ مقدس، ایران از دست رفته، فرضیات مکتوم و بررسی ناشده و مقاله سرزمینی دیگر، همه با محور قرار دادن موضوع ایران و حوادث آن، از قبیل جنگ عراق علیه ایران، سقوط شاه و موضع‌گیری‌های گوناگون امام خمینی در حوادث گوناگون، به چگونگی برخورد رسانه‌های غربی با اسلام می‌پردازد. فرضیه‌های ارائه شده برای تفسیر حوادث یاد شده و فرضیه‌های قابل طرح ولی طرح نشده، محتوای این مقاله‌ها را تشکیل می‌دهند.

در مقاله جنگ مقدس ادوارد سعید نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های امریکایی تلاش می‌کردند در هر تحلیل و گزارشی درباره ایران مقوله خشونت اسلامی را به تصویر بکشند و حتی در مواردی تقابلی بین زندگی در جهان اسلام و جهان غرب ارائه کنند تا از این زاویه خشونت در میان مسلمانان را به آموزه‌های دینی آنان نسبت دهند. در موردی چنین می‌آورد:

«در شبکه ABC، بخش تفسیری درباره اسلام در واقع سه دقیقه درباره اسلام با تصویر سخن می‌گفت که در سمت راست تصویر عناوین ریزی درباره همان ماجراهای نادلپذیر بود ماجراهایی که جز خشم، سوءظن و تحقیر را درباره «اسلام» روا نمی‌داشت مسلمانان، مکه، چادر، پرده، سنی، شیعه (همراه با تصاویری از مردان جوانی که سینه زنی می‌کردند) ملا، آیت

درباره مسأله اسلام، آنچه را که کارشناسان و سیاست‌بازان و خط‌مشی‌سازان به استحکام و تأیید می‌گویند نمی‌توانم تأیید کنم؛ بلکه برعکس معتقدم که این اظهار نظرهای بیش از آنکه در شناخت جوامع و انسان‌ها کمکی باشد، مانعی به حساب می‌آید؛ اما آنچه من واقعاً بدان اعتقاد دارم وجود یک حس انتقادی، وجود شهروندی که می‌خواهد آن سوی منافع خاص کارشناسان و باور «سفارش شده» به ایشان گام گذارد، بوده و هست. با کاربرد ماهرانه قرائت انتقادی مناسب برای آنکه با معنا را از بی‌معنا جدا سازد، با پرسش‌های درست و انتظار پاسخ‌های درست هر کس می‌تواند در مورد اسلام و مردان و زنانی که درون آن زندگی می‌کنند و زبانی که با آن سخن می‌گویند و هوایی که تنفس می‌کنند و تاریخ و جوامعی که پدید می‌آورند، بیاموزد و اطلاع به دست آورد. در اینجا است که معرفت انسانی آغاز شده و مسؤلیت اجتماعی برای به عهده گرفتن آن شروع می‌گردد. من برای نیل به چنین هدفی است که این کتاب را نوشته‌ام. (اسلام و رسانه‌ها، ص ۵۹)

مقاله «بعد التحریر» در سال بعد نگاشته و از آنجایی که حادثه مهم و خبرساز آزادی‌گروگان‌های امریکایی در این فاصله اتفاق افتاده و به طور طبیعی بازار گزارش درباره تندخویی و خشونت مسلمانان و مظلومیت و سختی کشیدن‌های گروگان‌ها داغ گشته، ادوارد سعید این موضوع را به طور مستقل بحث کرده و به کتاب افزوده است.

بخش اول کتاب، عنوان «اسلام و غرب» را دارد. نویسنده می‌کوشد زیربنای برخورد غرب را با اسلام روشن کرده، همه برخوردهای خبری و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره غرب را ناشی از این پایه و اصل و با عنایت به آن تفسیر و تحلیل کند. وی بر این باور است که «لااقل از قرن هیجدهم تا زمان ما، واکنش‌های غرب به اسلام تحت سلطه نوعی اندیشه ساده‌شده‌ای درباره آن است که هنوز هم می‌توان آن را شرق‌شناسی نامید. اساس و پایه شرق‌شناسی نوعی تقسیم و دو قطبی کردن جغرافیایی است که جهان را به دو بخش خیالی و در عین حال کاملاً مجزای «ما» و «دیگران» تقسیم می‌کند. بخش بزرگ‌تر و «متفاوت» شرق نامیده شده و دیگری که متعلق به «ما» است، مغرب یا غرب. (ص ۷۴)

ادوارد سعید با کشف این زیربنا اثبات می‌کند که رسانه‌های غربی خود را همواره در یک جنگ با «دیگران» که در اینجا منظور شرق و به ویژه اسلام است، می‌بینند و رنگ غالب بر تحلیل‌ها و گزارش‌ها همین رنگ است. وی برای اثبات مدعای خود موارد

نقش قدرت را در این قبیل پژوهش می‌نمایاند و بازده غیرواقع بینانه چنین پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد. وی در مقاله پایانی با عنوان «دانش و تفسیر آن» به ضرورت تفسیر درست آگاهی‌ها و اطلاعات به دست آمده اشاره می‌کند و برای خوانندگان غربی تأکید می‌کند که به تفسیرهای ارائه شده از سوی مفسران هوشمندانه بنگرند و توجه داشته باشند که حقایق و داده‌ها در تعبیر و تفسیر هستند که اهمیت پیدا می‌کنند. بنابراین به چگونه تفسیر شدن، از سوی چه کسی تفسیر شدن، در چه شرایطی تفسیر شدن، با چه پیش‌فرض‌هایی تفسیر شدن و با چه هدف تفسیر شدن، درباره هر رخدادی دارای اهمیت است.

ادوارد سعید پس از گذشت مدتی به چاپ دوم کتاب مبادرت می‌کند و در این مدت حوادث جدیدی به وجود می‌آید که دیدگاه‌های وی را درباره چگونگی برخورد رسانه‌ها با اسلام اثبات می‌کند. وی در مقدمه چاپ جدید به تفسیر و تحلیل موضوع رسانه‌ها در برابر این حوادث می‌پردازد و کتاب خود را به روز می‌کند.

نکته‌ای که در مطالعه کتاب ادوارد سعید به روشنی خود را نشان می‌دهد، عدم التزام وی به طرفداری از اسلام یا انقلاب اسلامی ایران است. دفاع ادوارد سعید از انقلاب یا اسلام به عنوان دفاع از حق انتخاب انسان‌ها است و به مفهوم درستی و یا نادرستی چنین حوادثی نمی‌باشد. ادوارد سعید بر این باور است که مردم ایران با هر پیش‌زمینه‌ای و با هر انگیزه‌ای انتخابی انجام داده و حکومتی را کنار زده و حکومت دیگری را سرکار آوردند، این انتخاب باید محترم شمرده شود و حق مردم دنیا است که از حوادث و جریان‌های پیش‌آمده در طول تحقق انقلاب و پس از آن اطلاع درست به دست آورند و نباید چنین حوادثی، ابزار ظهور و نمود کینه‌توزی‌ها گردد و اگر واقعیت‌ها آن گونه که هستند گزارش گردند، مردم دنیا تصویری روشن‌تر از حوادث پیدا خواهند کرد و تصمیم درست‌تری خواهند گرفت. و صاحبان رسانه‌های جهانی از نظر اخلاقی حق ندارند واقعیت‌ها را آن گونه که خود می‌خواهند، گزارش کنند و افکار عمومی را گمراه سازند. به تعبیر دیگر ادوارد سعید، از حق درست فهمیدن جامعه خود، یعنی مردم آمریکا دفاع می‌کند و از ظلمی که به مردم آمریکا در راستای انحراف از فهم درست حوادث پیش‌آمده شاکتی است و انتظار دارد رسانه‌های غربی با شنوندگانش صادق باشند و به حق فهمیدن احترام بگذارند.

مترجم، کتاب را بر پایه چاپ جدید ترجمه کرده است. متأسفانه متن اصلی کتاب در دسترس نیست تا به چگونگی و

الله خمینی و بالآخره ایران پس از این تصاویر برنامه یک راست می‌رفت سراغ جانسویل در ایالت ویسکانسین که شاگرد مدرسه‌های پر نشاط و سالم را - دور از چادر و چاقچور و حد شرعی و یا حضور ملاها در میان بچه‌ها - نشان می‌داد که مشغول سازمان دادن برنامه‌های وطن‌دوستانه (روز اتحاد) هستند». (ص ۱۵۲)

در مقاله ایران از دست رفته چگونگی تلقی رسانه‌های امریکایی از ایران بعد از شاه را بررسی می‌کند. در این مقاله نشان می‌دهد که به جز تعداد انگشت‌شماری از تحلیل‌گران مسایل ایران که ذهنیتی از پیش طراحی شده نداشتند همه بر فاجعه خروج ایران از دایره نفوذ آمریکا تأکید می‌کردند و هر تلاشی برای بازگرداندن آن به دایره نفوذ جهانی آمریکا را مفید تلقی می‌کردند ادوارد سعید از مقاله‌ای که در واشنگتن پست درباره ایران نوشته شده چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«آنچه که در مقاله کرافت روشن است بیش از هر چیز این است که نامبرده این انقلاب را که در ایران پیش آمده قبول ندارد - علاوه بر انقلاب هر چه که به آن هم مربوط است، آیت‌الله، اسلام و ایرانیان از دیدگاه او می‌بایست مورد تجدید نظر قرار گیرند و آنها به عنوان اموری استثنایی و نامعقول شناخته شوند ... از اینها گذشته نسخه کرافت در خود آموزشی دارد خالی از هر گونه زمینه اخلاقی، چه او همه جا از قدرت دم می‌زند. از قدرت آمریکا که دنیا را تحت سلطه دارد و باید داشته باشد اگر در این فرایند او در صدد انکار حق مردمی برآمده است که می‌خواهند حکومت خود را به دست خود تغییر دهند چنانکه این کار را هم انجام دادند مسأله قابل توجه و مهمی برای او نیست او می‌خواهد که دنیا آمریکا را از دیدگاه قدرت آمریکا بشناسد (و شناخته شود) بقیه حرف مفت است». (ص ۱۶۶)

بر همین پایه بود که از نظر سیاستمداران امریکایی کمک به عراق برای راه‌اندازی جنگ علیه ایران، توجه ویژه به رژیم ترکیه، مصر و عربستان و رویکرد ویژه به مسایل قومی در داخل ایران توجه اخلاقی پیدا می‌کرد زیرا همه اینها در دایره مسایل و منافع آمریکا مطرح می‌شد.

ادوارد سعید در مقاله «فرضیه‌های مکتوم» کوشش می‌کند روش رسانه‌های امریکایی در مخفی نگه داشتن فرضیه‌های واقع بینانه درباره چرایی سقوط شاه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، را نشان دهد و تحلیل‌هایی را که برای انحراف افکار عمومی آمریکا در این باره ساخته و پرداخته می‌شد، بنمایاند.

مقاله «قدرت و دانش» به گمراهی مراکز تحقیقات دانشگاهی و علمی درباره تفسیر اسلام و حوادث جهان اسلام می‌پردازد و

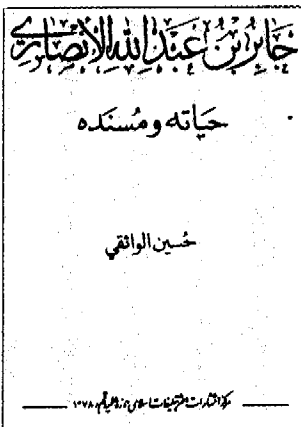
مقدار توفیق مترجم در انتقال دیدگاه‌های ادوارد سعید پی برد، اما دقت در متن فارسی نشان می‌دهد که مترجم دست کم در یکی از دو حوزه فن ترجمه گاه از توانایی لازم برخوردار نبوده. عبارت‌های کتاب در مواردی بسیار پیچیده و دشوار است. این دشواری‌ها معمولاً یا ناشی از ضعف در فهم زبان مبدأ است و یا برخاسته از ناتوانی در ادبیات و هنرنویسندگی در زبان مقصد می‌باشد. در مواردی عبارت‌ها چنان دیر فهم و دشوار است که برای دست‌یابی به مقصود مؤلف باید وقتی بیشتر صرف کرد و گاه با افزودن و یا کم کردن کلماتی عبارت را روان و خوانا ساخت. نمونه‌های نقل شده تا حدودی این مدعا را می‌رسانند و برای تأکید بیشتر عبارتی در ذیل نقل می‌گردد که بدون دخل و تصرف معنای محصلی ندارد و از این قبیل عبارت‌ها بسیار وجود دارد:

سازندگان فیلم و PBS می‌دانستند- همان طور هم بسیاری از مسلمانان و مردم جهان سوم- که مسأله اصلی موضوع فیلم نیست، بلکه آنچه به روی صحنه می‌آید باز نمودن واقعیت نیست، بلکه مسأله امتیاز و تفرقی است که من در جایی دیگر آن را اقتدار فرهنگی و در این مورد اقتدار فرهنگی غرب نامیده‌ام. این صرفاً حرف مهملی است که سعودی تنها پول زیادی دارد. تولید مؤثر و محتوای پخش اخبار و تصاویر از پول قوی‌تر است؛ چون اینها است و نه تنها دارایی سعودی‌ها که کل نظام آن در غرب مورد پرسش قرار می‌دهند. (ص ۱۳۹)

این دست عبارت‌های ناستوار در سرتاسر کتاب وجود دارد که اگر پیش از نشر به دست ویراستاری چیره دست سپرده می‌شد، به حتم کتاب از سلاست و روانی لازم برخوردار می‌گشت. البته احتمال آنکه مترجم در فهم متن انگلیسی آن نیز دچار مشکل باشد، بعید نیست؛ چون ادوارد سعید به دشوارنویسی شهره است و همین امر مترجمان آثار وی را با دشواری مواجه می‌کند. به هر صورت بر ناشر است که در چاپ بعدی کتاب، نقص‌های دستوری و ویرایشی آن را رفع کند و برای اطمینان خاطر نویسنده، ناشر و خوانندگان کتاب یک بار دیگر با متن اصلی مقابله کند. البته هیچ کدام از این ایرادها ارزش همت مترجم در آشنا ساختن فارسی‌زبانان با آثار ادوارد سعید را کم نمی‌کند سعیش مشکور باد.

محمدعلی سلطانی

جابر بن عبدالله الأنصاری حیات و مُسنده، حسین الوائقی، مرکز



انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول،

۱۳۷۸، ۴۵۶ص، وزیری، عربی. جابر بن عبدالله انصاری، زندگی‌نامه و گزیده روایات، حسین وائقی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۲۰۰ص، وزیری، فارسی.

یکی از چهره‌های نامدار دوره

آغازین اسلام، جابر بن عبدالله انصاری است. پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه، جمعی از اوس و خزرج برای دیدار و گفتگو با آن حضرت به مکه و منی رفته بودند. جابر خردسال‌ترین آنان بود که با حضرت بیعت کرد. (ص ۳۶)

پس از هجرت، در ده سالی که حضرت در مدینه سپری کرد، جابر دمی از آن جناب چشم برداشت. در حضر و سفر، جنگ و صلح، سختی و آسانی قدم در پی حضرت نهاد و در ضمن کوشش عملی، برانداخته‌های علمی خود افزود. (ص ۳۶-۶۱)

همچنین روایات فراوان او در فضائل و مقامات اهل بیت، نشان اعتقاد و دلمشغولی جابر به خاندان پیامبر است. (ص ۱۲۷-۳۳۷) امام صادق(ع) فرمود: «جابر از همگان بریده و به ما اهل بیت پیوسته بود.» (ص ۱۳)

پس از رسول خدا(ص)، در دوران خلفا، به پیروی از امام علی(ع) به زندگی عادی روی کرد و آنگاه که زمامداری به دست حضرت افتاد، دوباره به عرصه‌های اجتماعی برگشت و در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان در رکاب حضرت بود. (ص ۶۲-۶۷)

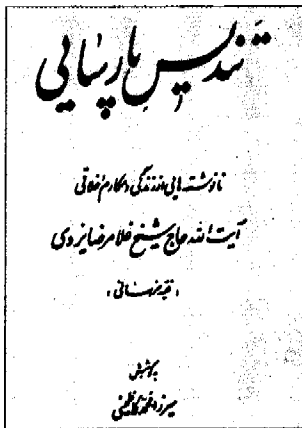
جابر را یکی از صحابه خاص امام حسن و امام حسین دانسته‌اند (ص ۷۳-۷۶) و هنگامی که فاجعه کربلا رخ نمود، نخستین کسی بود که از مدینه به کربلا شتافت تا به زیارت سرور شهیدان نایل شود. (ص ۷۷-۸۱)

پس از شهادت امام حسین، که مردم از ترس و فشار زمانه از اهل بیت بریدند، جابر یکی از چند نفری بود که ثابت و استوار در کنار حضرت سجّاد(ع) باقی ماند. (ص ۸۲)

چنین شخصیتی با این ویژگی‌ها جای آن داشت که موضوع پژوهش قرار گیرد. ثمره این تلاش دو کتاب است یکی به عربی و دیگر به فارسی. کتاب «جابر بن عبدالله الأنصاری حیات و مسنده» شامل دو بخش کلی است:

تندیس پارسایی، میرزا محمد کاظمینی، قم، انتشارات تشیع، ۱۳۷۹، چاپ دوم.

تندیس پارسایی تألیفی است که از زندگی، اندیشه‌ها، عقیده‌ها و آثار تربیتی و تبلیغی یکی از روحانیان و آموزگاران اخلاق در عصر مشروطیت، سخن می‌گوید. مؤلف پس از پیشگفتار و سال شمار زندگی حاج شیخ غلامرضا یزدی، معروف به فقیه خراسانی،



کتاب را در چهار بخش و به ترتیب زیر تدوین کرده است: در بخش اول از کارنامه زندگی، در بخش دوم از مکارم اخلاقی، در بخش سوم از کرامت‌ها و مکاشفه‌های فقیه خراسانی سخن گفته است. در بخش پایانی نیز که چهار پیوست را در بر می‌گیرد، سوگسروده‌هایی در رثای فقیه خراسانی و رساله‌ای از ایشان با عنوان «سی بحث در اصول دین» و ... آورده شده است.

بخش نخست با عنوان «کارنامه زندگی» درازدامن‌ترین بخش کتاب است. این بخش در ده فصل تنظیم گشته است؛ به این ترتیب: در فصل اول (با طرب در طلب) از سفر حاج شیخ به شهر یزد و اصفهان به اختصار سخن رفته است؛ در فصل دوم (علم آموزی و خودسازی) نخست از ورود وی به حوزه علمیه اصفهان، سپس از حضور وی در حوزه علمیه نجف اشرف، نیز از استادان او در نجف اشرف، به ویژه از آخوند خراسانی و اصطهباناتی و سید محمد کاظم یزدی سخن گفته شده است. در نهایت نیز از سفر او همراه استادش اصطهباناتی از نجف به شیراز سخن به میان آمده است.

در فصل سوم (نوری در تاریکی) از اقامت حاج شیخ در یزد و شهادت استادش اصطهباناتی در شیراز توسط مخالفان مشروطه، نیز از تبلیغ و تدریس وی و ... سخن گفته شده است. در فصل چهارم (شمع جمع) نیز از برخی اقدام‌های اجتماعی و تبلیغی حاج شیخ، مانند احیای حوزه علمیه یزد، اقامه نماز جماعت و اهتمام به امور خیریه صحبت شده است که مهم‌تر از همه آذوقه‌رسانی شبانه شیخ به گرسنگان و درماندگان در قحطی جنگ جهانی دوم است که شامل حال فقیران یهودی و زردشتی نیز می‌شده است. مطلب مهم دیگری هم در این فصل دیده می‌شود که از آن میان، شکیبایی شیخ بر مرگ پسر جوانش

بخش اول، زندگی‌نامه جابر است و در ۱۲۰ صفحه به سامان آمده و حاوی این موضوعات است: خاندان جابر (ص ۱۷-۳۵)؛ جابر با رسول الله (ص) در حوادث مهم (ص ۳۶-۶۱)؛ جابر با امام علی (ع) (ص ۶۲-۶۷)؛ جابر در حوادثی چون فتنه دوره عثمان، حکومت معاویه و واقعه حرة (ص ۶۸-۷۲)؛ جابر همراه با امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، (ص ۷۳-۸۱)؛ جابر با امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) (ص ۸۲-۸۹)؛ شخصیت علمی جابر (ص ۹۳-۹۸)؛ سال وفات و مدفن جابر (ص ۹۹-۱۰۶)؛ جابر از چه کسانی روایت می‌کند؟ (ص ۱۰۷)؛ فهرست ۱۶۶ نفری که از جابر روایت کرده‌اند (ص ۱۰۸-۱۱۸).

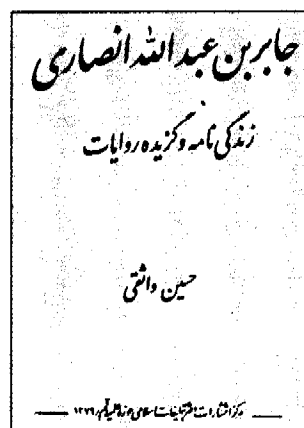
بخش دوم کتاب (ص ۱۲۱-۴۴۰) در سیزده فصل کلی تنظیم شده، و شامل روایات جابر در این موضوعات است:

۱. سیره رسول الله (ص) به روایت جابر (ص ۱۲۳-۱۵۶)؛
۲. حدیث لوح اخضر (ص ۱۵۷-۱۶۸)؛ ۳. فضائل امیرالمؤمنین (ع) (ص ۱۶۹-۲۶۴)؛ ۴. ازدواج زهرا و علی (ع) (ص ۲۶۵-۲۷۶)؛
۵. فضائل امام حسن و امام حسین (ع) (ص ۲۷۷-۲۸۴)؛ ۶. ابلاغ سلام پیامبر (ص) به امام باقر (ع) توسط جابر (ص ۳۲۳-۳۳۱)؛
۷. مهدی آل محمد (عج) در روایت جابر (ص ۳۳۳-۳۳۸)؛ ۸. اخلاق و آداب در روایات جابر (ص ۳۳۹-۳۷۲)؛ ۹. دعا و عبادت (ص ۳۷۳-۳۸۷)؛ ۱۰. نظریات فقهی جابر (ص ۳۸۷-۳۹۸)؛
۱۱. نظریات تفسیری جابر (ص ۳۹۹-۴۲۰).

در پایان، دو یست مصدر مهم کتاب فهرست شده است.

\*\*\*

کتاب دوم «جابر بن عبدالله انصاری، زندگی‌نامه و گزیده



روایات» است که در ۲۰۰ صفحه به فارسی فراهم آمده و در دو بخش تألیف شده است:

بخش اول از صفحه ۱۹ تا صفحه ۱۰۳ زندگی‌نامه جابر است با همان موضوعاتی که در کتاب عربی آمده است. بخش دوم (ص ۱۰۵-۱۹۵) گزیده‌ای از روایات جابر است که با شرح و توضیح همراه است.

این بخش خود در دو قسمت سامان یافته است:

- یک. آداب زندگی و بندگی در روایات جابر (ص ۱۰۷-۱۴۵)؛
- دو. فضایل معصومان (ع) به روایت جابر (ص ۱۴۷-۱۹۵).

محمدحسین کمال

مدارج اخلاقی را از «محاسن اخلاقی» و «فضائل اخلاقی» گرفته بود. نیز فرازهایی از کتاب چنان می‌نماید که حتی از فضائل عبور کرده، به مکارم و «معالی اخلاق» نیز رسیده بود. برای نمونه نقل حکایت آموزنده‌ای در اینجا مناسب می‌نماید. مؤلف تندیس پارسایی می‌نویسد:

«اوج بزرگواری و انسان دوستی حاج شیخ در حق اقلیت‌های دینی یزد بود. به این موضوع تنی چند از معاصرانش اشاره کرده‌اند. یک فرد دهنوی که در خدمت حاج شیخ بود، تعریف می‌کرد که در سال قحطی چند بار آرد از خیرآباد آورده بودند. او آردها را کیسه کیسه کرده بود و به من فرمود: به چهار سوق بروم و جلو درخانه‌ها بگذارم. به حاج شیخ گفتم: فلانی یهودی است. حاج شیخ گفت: مگر یهودی خوراک ندارد؟ مگر گرسنگی نمی‌فهمد؟ چه کار به این کارها داری؟ (ص ۸۹).

محمد صحتی

بسیار آموزنده و جالب می‌نماید و حاکی از روح بزرگ آن روحانی وارسته است. در این فصل، از اجتهاد حاج شیخ، نفوذ اجتماعی وی و مسافرت‌های زیارتی و تبلیغی بسیارش نیز بحث شده است که شامل سفر به مشهد، حج، عتبات عالیات عراق، شیراز و ... می‌شود.

در فصل پنجم (پرندۀ رفتنی است) از سال‌های پایانی عمر شیخ، از وفات و وصال او، نیز از تشییع پرشکوه پیکرش و ... سخن‌ها گفته شده است که بیشتر حاکی از زندگانی صمیمی و مردمی او است و حکایت از آن دارد که او با مردم بود و با مردم ماند، تا به سرای باقی پرکشید و رفت. در فصل ششم گزارش مختصر و مجملی از خویشان و خانواده شیخ داده شده است، که در همسران و فرزندان وی خلاصه می‌شود.

در فصل هفتم به آثار مکتوب شیخ پرداخته شده است، که یک ترجمه (ترجمه نماز) و دو رساله کوتاه (رساله در طلب و اراده، و سی بحث در اصول دین) و یک تألیف (مفتاح علوم القرآن) است. با اینکه جز رساله طلب و اراده، سه اثر دیگر شیخ پیش‌تر منتشر شده بود، لازم و ضروری بود که مؤلف محترم، یک بخش از کتاب را به بررسی آثار و اندیشه‌های حاج شیخ غلامرضا یزدی، اختصاص می‌داد. دست کم همین فصل کوتاه را به تفصیل و تحقیق از آثار شیخ به ویژه از شاهکار او - یعنی کتاب مفتاح علوم القرآن - سخن می‌گفت، و مواردی از متن مفتاح که گفته می‌شود اثری قرآنی - عرفانی است گواه آورده می‌شد تا جایگاه نویسنده آن در عرصه اندیشه و اجتهاد و تفسیر و عرفان معلوم می‌گشت.

در فصل هشتم از استادان حاج شیخ نام برده شده و زندگی نامه مختصری از هر یک آورده شده است که عبارتند از آیات عظام: سید محمد باقر درچه‌ای، محمدباقر اصطهباناتی، سیدعلی مدرس؛ سیدمحمدکاظم یزدی صاحب العروة، فاضل بسطامی؛ عبدالکریم گزی، آخوند کاشانی، آخوند خراسانی، آیت‌الله بروجردی، آقاجفی اصفهانی، جهانگیرخان قشقایی، ثقة الاسلام محمدعلی اصفهانی مسجدشاهی، آقا نورالله اصفهانی، میرزای نائینی، شیخ هادی تهرانی، میرزا حسین خلیلی تهرانی، شیخ علی بابا فیروزکوهی، میرزا محمود شیرازی، محمدعلی قائینی و شیخ علی اکبر نهبانندی.

در فصل نهم نیز شاگردان شیخ شمرده شده‌اند که نزدیک به چهل شاگرد را شامل می‌شود. در میان آنان نام بعضی از دانشوران پرآوازه معاصر نیز دیده می‌شود. با مطالعه تندیس پارسایی معلوم می‌گردد که فقیه خراسانی،

وامداری غرب نسبت به شرق، به ویژه اسلام و ایران (در حوزه علم،

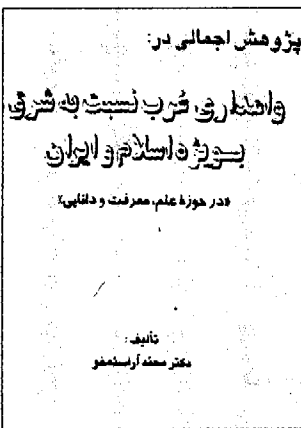
معرفت و دانایی) دکتر محمد آراسته‌خو، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ۶۶۰ص.

مدیون و مروهون کردن غرب به شرق، روزگاری است که موضوع آثار خطابی و علمی شده و ده‌ها و صدها مقاله و کتاب را به خود

اختصاص داده است. اما همگان به یک راه نرفته‌اند: برخی به بیان گذشته افتخارآمیز مشرق زمینان و مقایسه آن با وضعیت علمی - اجتماعی غرب، اکتفا کرده‌اند؛ گروهی به ردیابی آثار شرقی در فرآورده‌های غربی روی آورده‌اند و بعضی نیز در پی یافتن عللی برای سبقت آنان و کناره‌گیری ما از تمدن و صنعت برآمده‌اند ...

کتاب حاضر از جمله پژوهش‌های دامنه‌داری است که برگ و بار آن بسیار است و نویسنده سخت کوش کتاب، به روشی علمی در مقام پاسخ‌گویی به چند و چون وامداری غرب به ایران برآمده است.

در بخشی از «ملاحظات مقدماتی» کتاب، نویسنده پاره‌ای از پرسش‌ها را به میان می‌آورد و در پایان می‌کوشد مطالب کتاب



معارف ایرانیان در قرون اول تا نیمه پنجم هجری می‌پردازد. شرایط و روابط اجتماعی- فرهنگی در ممالک اسلامی، به ویژه اعراب و ایران، موضوع و عنوان فصل دوم این بخش است. نویسنده دامنه بحث را در این بخش از کتاب، به دوران معاصر می‌کشد و از علل فرهنگی- سیاسی نهضت مشروطه نیز سخن می‌گوید. وی معتقد است:

«تا نهضت مشروطه، هیچ گونه اقدامی از جانب نخبگان حاکم، در جهت تعلق پذیر کردن مردمان و تقویت اخلاق مسؤلیت صورت نگرفت؛ بلکه برعکس راهکارهای متضاد و متعارض توسط آنان به میان آمد و دول استعماری غرب و شرق نیز اصل «تفرقه بینداز، حکومت کن» را پیش گرفتند و با توجه به تضعیف مستمر تفکر سنگین و مولد، همه این موانع و مشکلات، سهمگین ترین ضربات را بر باقیمانده پیکره علم، معرفت و دانایی به موازات دورهای باطل امور دیگر وارد آوردند.» (ص ۴۱۱)

نویسنده در فصل دوم، رهیافت و بهره برداری از حکمت‌ها، علوم و معارف عالم اسلام و ایران را توسط غرب و اروپا برمی‌رسد. در این فصل، گونه‌هایی از علوم فلسفی و تجربی که رشد خود را در ایران آغاز کردند و سپس در غرب به یغما رفتند، شمرده می‌شود و نویسنده با استناد به آرا و اقوال تنی چند از غربیان، بر و امرداری آنان صحه می‌گذارد.

«از قرن یازدهم میلادی همه کوشش اروپاییان مصروف ترجمه آثار فلاسفه و دانشمندان اسلام گردید و چون آن زمان، زبان‌های اروپایی هنوز قادر نبود محتوای علمی و فلسفی را در خود جای دهد و به اصطلاح فقط زبان محاوره بود، لذا ترجمه به لاتین صورت می‌گرفت.» (ص ۴۵۹)

در این قسمت از کتاب، شواهد بسیاری آورده می‌شود تا ثابت گردد، اصل آزاداندیشی و پیراستگی از جمود فکری هدیه شرقیان به غربیان بوده است. از قضا، همین فضیلت علمی- اخلاقی است که غرب را برمی‌کشد و شرق را به انزوا می‌کشد.

آخرین فصل کتاب، در پی پاسخ به برخی از سؤال‌های پیشین است. سپس نویسنده استنباط پژوهشی خود را درباره شش فرضیه پیش گفته باز می‌گوید و در آخر، چندین پیشنهاد و رهیافت را پیش روی خوانندگان خود می‌نهد.

وی متغیرهای زیر را که در فرضیه ششم بررسی کرده است، عامل چنین وضعیتی در غرب و شرق می‌داند:

قدرت و اقتدار؛ حکومت؛ سیاست؛ اقتصاد؛ اداره امور عمومی؛ جهت‌گیری مدنی و معرفتی؛ فرهنگ خرد و کلان؛

را برای پاسخ به آنها، قالب‌سازی کند. برخی از پرسش‌های نخستین بدین قرارند:

۱. مبانی حکمت و معارف و دانش‌های عام و خاص ایران قبل از اسلام چه بود؟ و نظر جهانیان، چگونه و چرا جلب شد؟ (ص ۷۷).

۲. دلایل رشد، توسعه و غنای فرهنگی، معرفتی، علمی و فنی مردمان مشرق زمین چه بود؟

۳. آیا در مشرق زمین (پیش از اسلام) به نیازهای فیزیولوژیک بیشتر تمایل بود یا به نیازهای ایدئولوژیک؟ یا هر دو؟

۴. غربیان، چه چیزهایی را در کدام زمان، زیر نظر گرفتند و از آنها بهره بردند؟

۵. مبانی نوزایی (رنسانس) غربیان چه بود؟

۶. در حوزه علوم، معارف، حکم و دانایی، و امرداری غربیان چقدر و چگونه است؟ ... (همان، ص ۷۸)

پس از طرح بیش از ده سؤال، مؤلف شش فرضیه در پاسخ به آنها پیش می‌نهد. (ص ۸۳)

بخش اول کتاب که همان «ملاحظات مقدماتی» است، بیشتر به روش‌های پژوهش و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات و دشواری تحقیق در چنین موضوعی، می‌پردازد. در همین بخش است که نویسنده اهداف خود را از طرح و امرداری غرب به شرق بیان می‌کند:

«هدف اصلی، یافتن پاسخ‌های محققانه و قابل بهره‌برداری عالمانه برای سؤال‌های فراوان راجع به محتوای غنی، قویم و قدیم مفاخر و امتیازات علمی، معرفتی، فلسفی و کلاً دانایی و کمال‌گرایی در جامعه‌های ایرانی- اسلامی و بعضاً در مشرق زمین یا پرتوافکنی آنها در شرق و غرب است.» (ص ۷۱)

هدف دیگر نویسنده از طرح چنین موضوعی «کاستن از دنباله روی کورکورانه برخی از جوانان نسبت به جامعه، فرهنگ، تفکر و مظاهر غربی است.» (ص ۷۴)

بخش اول کتاب، با بررسی آیین‌ها، ادیان و برخی از مرام‌های رایج میان ایرانیان، تا پیش از ورود اسلام، پایان می‌پذیرد.

فصل‌های اول و دوم بخش دوم کتاب، درباره کم و کیف، شیوه‌ها و روش‌های بهره‌وری غرب و اروپا از علوم و تمدن‌های بیگانه است.

در این بخش، نویسنده بیشتر به اعترافات اصحاب فلسفه روی می‌کند و پاره‌هایی از سخنان اهل معرفت را در غرب یادآور می‌شود.

فصل اول این بخش، به طور مشخص به معرفی علوم و



تعلیم و تربیت عام و خاص؛ ارزش و معنویت.

سپس راهکارهایی را برای بازگشت به تمدن خودی و پیشین پیش می‌نهد:

۱. انضباط و انتظام خود خواسته و خودخواسته؛
  ۲. بردباری و سعه صدر و گذشت و فداکاری به نفع عامه با نگرش بلند مدت؛
  ۳. ثبات قدم در معنویت و بنیادی تر کردن آن به منظور سازواری با کارکردهای مرتبط؛
  ۴. نوع دوستی و بشرخواهی، رفع شکاف‌ها، تبعیض‌های ناروا، خودخواهی‌ها و خودمداری‌های آشکار و نهان؛
  ۵. تعدیل غرایز، شهوات و خودکامگی‌ها برای تعاون فکری، عاطفی و عملی؛
  ۶. تربیت و تقویت اخلاق مسؤولیت به شیوه‌های سنجیده و سنجش‌پذیر؛
  ۷. اتخاذ تدابیر متنوع در جهت کاهش باخودبیگانگی‌ها و تربیت و تقویت توانایی آدمی و اعتماد به خود و تعلقات واقعی خودی؛
  ۸. آموزش‌های خاص برای رده‌های مختلف شغلی؛
  ۹. توجه خاص به «تحقیق در خدمت توسعه و خلاقیت» با کاربرد روش‌های پیشرفته؛
  ۱۰. ارتباط دادن علوم هدایت شده خاص با معرفت‌ها و اعتقادات و ارزش‌های واقعی و صحیح؛
  ۱۱. تقویت اخلاق ناشی از علم و علم ناشی از اخلاق؛
  ۱۲. بها دادن به تخصص‌های مختلف دانشگاهی.
- به هر روی کتاب حاضر، اطلاعات بسیاری درباره غرب کنونی و شرق دیروز در اختیار خواننده می‌گذارد و وی را با آرا و اقوال دانشمندان بسیاری در این زمینه آشکار می‌کند.
- نتیجه‌نهایی نویسنده درباره تعامل اسلام و فرهنگ ایرانی، بدین قرار است: «مهم‌ترین علل و عوامل جوشش، غلیان و ترقی و تعالی آسیای جنوب غربی، خاورمیانه و ایران از لحاظ فرهنگی، معرفتی و علمی مبتنی بر زمینه‌ها و بسترهای عینی و ذهنی، عقلی و ایمانی، دنیایی و عقبایی فرهنگ و معارف بود و چون اسلام نیز واجد چنین ویژگی‌هایی در زمینه وبستر خود بود، لذا به سرعت و شتاب، خصائص جدید از میان صفات و خصائص اجزاء و عناصر تشکیل دهنده موجود، برآمد. و هر گاه برخی تضادها و تعارض‌های تحمیلی صوری (عینی و ذهنی) پدید می‌آمد، در زمانی اندک جای خود را به تحمل، بردباری و همدلی و همیاری می‌داد و فرصت‌های تأمل، تدبیر،

تفسیر، تعبیر و تأویل فراهم می‌آمد و به یافته‌های نو و پربارتری منجر می‌گردید.» (ص ۵۶۴)

«هنگامی که منشأها، تنوع و تکثر داشته‌های عاطفی و فکری با فرهنگ و معارف مولد و همسوی آیین اسلام تلفیق و تألیف شد، ارتباطات نوینی پدیدار گردید که به نوبه خود تطور، تغیر، تحول و دگرگونی‌های فکری-علمی را سرعت بخشید.» (ص ۵۶۵)

در این پژوهش، نویسنده کوشیده است با طرح دیدگاه‌های گوناگون، کتاب خود را به جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی معرفتی، متکی و مجهز کند. لیکن طرح آراء و نقد و بررسی آنها، گاه چنان تو در تو و دامنه‌دار می‌شود که خواننده را از پی‌گیری مباحث و ربط دادن آنها به یکدیگر باز می‌دارد. چنانچه نویسنده محترم و دانشمند کتاب، به گزیده‌گویی روی می‌کرد و بسیاری از اطلاعات غیر ضروری را از پیرامون موضوع فصل‌ها می‌کاست، به حتم خواننده، امکان استفاده بیشتری از این اثر را داشت.

همچنین نویسنده به حربه اعترافات غربیان، بسیار متوسل می‌شود؛ اگر در کنار استفاده از این مؤلفه مؤثر، هر از گاه مخالفت و انکار برخی دیگر از دانشمندان غربی را نیز باز می‌گفت و در نقد و بررسی آنها نیز کوشش می‌کرد. که گاه نیز چنین کرده است. اعترافات آنان نیز بیشتر به دل می‌نشست و اعتماد می‌افزاید.

با مروری-حتی سطحی-می‌توان فهمید که نویسنده این کتاب، رنج بسیاری در جمع‌آوری اطلاعات بر خود هموار کرده است و در تمام صفحات کتاب، در آرزوی رسیدن به هدف خود و کتابش هست: اثبات و امنداری غرب نسبت به ایران اسلامی. به نظر نگارنده می‌رسد که دست‌بندی مطالب کتاب، چندان خواننده را با خود همراه و همدل نمی‌کند و گاه بر سردرگمی او می‌افزاید. به ویژه نثر کتاب، مغشوش و دور از «نثر معیار» است. عطف‌های پی در پی و برساخته‌های منفرد، از معایب نثر کتاب است.

این کتاب، اولین اثر از سری کتاب‌های «غرب‌شناسی» در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است و ضمن تحسین نویسنده این اثر، امید می‌بریم که مجلدات دیگر این سری از آثار پژوهشگاه، به روشن‌تر شدن موضوع مربوط کمک کند.

رضا بابایی





منتخب «الانوار المضيئة»، علامه سيدبهاء الدين علي بن عبدالكريم بن

عبدالحميد نبلي نجفی (زنده در

۸۰۳ق)، تحقيق: گروه

محققان، چاپ اول، قم،

مؤسسه الامام الهادي عليه

السلام، ۱۳۷۹ش، ۲۵۰ص (+

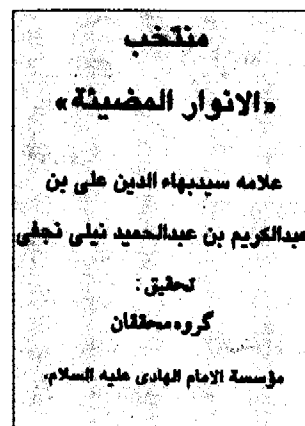
۶۴ص مقدمه)، وزيري.

علامه نسابه، فقيه، اديب،

شاعر، محدث و مفسر

بزرگوار «السيد المرتضى

بهاء الدين علي بن عبدالكريم



بن عبدالحميد نبلي» يكي از عالمان و فقيهان بزرگ شيعة در قرن

هشتم هجري بوده، كه نامش و آثارش، تاكنون به درستي و

شايعتگي شناخته نشده است. وي، از شاگردان فخرالمحققين،

سيدعميدالدين و سيدضياءالدين حلي، شهيد اول و تاج الدين

بن معيه و استاد احمد بن محمد بن فهد حلي است و داراي آثار

فراوان در علوم: كلام، تفسير، رجال، تاريخ، حديث و فقه

بوده و به علم نسب، شهرت فراوان داشته است. كتاب ارجمند

و گرانسنگ «الانوار المضيئة في الحكمة الشرعية الالهية» اثر

مهم او در پنج مجلد و در برگرينده مباحث كلام، اصول فقه،

فقه آل محمد، اسرار و قصص قرآن است. به گفته محدث

نوري: «... اين كتاب، بهترين تأليفاتش، به ترتيب بديع و

اسلوب عجيب و دربرگرينده حكمت علميه و عمليه، و ابواب

فقه محمدی، و آداب و سنن، و ادعيه برگرفته از قرآن مجيد

است. «(مستدرک الوسائل ۲۴۷/۸) از اين كتاب، محدثين

شيعة، همانند علامه مجلسی، شيخ حرّ عاملي و محدث نوري

فراوان نقل کرده و بدان استناد نموده اند.

مؤلف، در آغازين فصل كتابش - كه موضوع آن علم كلام

است - به صورت شايعه از اصول پنجگانه اعتقادی سخن گفته

و آنجا كه به بحث امامت می رسد، پس از بحث از يكايك ائمه

اطهار - عليهم السلام - زمانی كه درباره امام زمان بقیة الله الاعظم

- ارواحنا فداه - قلم می زند، به تفصيل می گرايد و از جوانب

مختلف، حیات آن حضرت را می كاود. لذا اين قسمت از

كتاب، بسيار شيرين و خواندنی بوده و مورد توجه فراوان

محدثين و مورخين قرار گرفته و عالمی - كه نامش بر ما پوشيده

است - دست به انتخاب اين فصل در كتابي جداگانه زده و بدین

سان «منتخب الانوار المضيئة» پديد آمده است.

بخش های ۱۲ گانه اين كتاب - كه به نام دوازده امام معصوم

است - عبارتند از:

۱. اثبات امامت وی و وجودش به دلائل عقلي (ص ۷-۱۸)

۲. اثبات امامت و وجود آن حضرت با استناد به آیات قرآنی

(ص ۲۰-۴۲).

محققين، در اين بخش برای مزيد فايده از كتاب های تفسير و

حديث و تاريخ فراوان استفاده کرده، و بر غنای مطالب كتاب

بسی افزوده اند. و مقصود مصنف را به خوبي توضيح داده اند.

۳. اثبات امامت آن حضرت با استناد به احاديث امامان و

احاديث پیامبر اکرم (ص) (ص ۴۵-۷۷).

مؤلف، در اين فصل به نقل احاديثی از پیامبر و يازده امام -

عليهم السلام - از طريق شيخ صدوق و قطب الدين راوندی

پرداخته است.

۴. گفتار علمای اهل سنت در امامت آن حضرت (ص ۸۰ -

۱۰۰).

مؤلف، در اين بخش به ذکر گفتار حافظ كنجی شافعی در

«البيان في اخبار صاحب الزمان» - از طريق اهل سنت - پرداخته و

محققين هم در پاورقی به شرح احوال رجال و روايان متن

احاديث و توضيح لغات مشكل و تطبيق آن با ديگر كتاب های

عامه پرداخته اند.

۵. ولادت و والده اش (ص ۱۰۲-۱۲۴).

مؤلف در اين فصل، داستان جناب نرجس خاتون و اسارتش

و آمدن او به منزل امام هادی و چگونگی پيوندش با امام

عسكري (ع) و تولد امام زمان (ع) را بيان داشته است.

۶. غيبت امام زمان و اسباب آن (ص ۱۲۷-۱۵۷).

مؤلف در اين بخش، نخست از غيبت ابراهيم و موسی و

يوسف و ادریس و صالح - عليهم السلام - و سليمان و آصف و

دانيال و عزيز و عيسى و شمعون و سلمان و پیامبر اکرم (ص)

سخن گفته و سپس غيبت امام زمان - عليه السلام - را با غيبت آن

بزرگان مقایسه نموده و به شبهات مخالفين با قوت استدلال

پاسخ گفته است.

محققين، اين بخش را کلمه به کلمه توضيح داده و در

پاورقی ها به شرح و بسط و استدراك آن به خوبی کوشيده اند.

اين فصل، يکی از خواندنی ترين و پر مطلب ترين بخش های

كتاب است.

۷. طول عمر آن حضرت و معمرين مشهور (ص ۱۶۰ -

۱۹۷).

مؤلف در این مقال، از طول عمر آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و موسی و دیگر پیامبران الهی و داستان دجال، و حبّابه و البیه، و ابی الدنیا معمر مغربی و بسیاری دیگر از معمرین امت‌های پیشین سخن گفته است.

۸. راویان و وکلای آن حضرت (ص ۲۰۰-۲۱۷).

در این بخش، وکیلان امام زمان در شهرهای مختلف و نواب خاصه، خصوصاً ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابی جعفر عمّری معرفی شده و داستان‌هایی در ارتباط با وکالت ایشان ذکر شده است.

۹. توقیعات امام زمان (ص ۲۲۰-۲۵۰).

در این بخش، ۱۶ توقیع حضرت به: اسحق بن یعقوب، محمد بن ابراهیم، مردبلخی، علی بن محمد صمیری، محمد بن عثمان عمّری، علی بن محمد سمّری، قاسم بن علا و احمد بن ابی روح و دیگران ذکر شده است.

۱۰. کسانی که به شرف ملاقاتش نائل آمدند (ص ۲۵۲-۳۰۲).

این فصل، گسترده‌ترین بخش کتاب بوده و در آن از ملاقات‌ها و دیدارهای کامل بن ابراهیم مدائنی، رشیق ماذرائی، احمد بن اسحق و سعد بن عبدالله اشعری- که مفصل‌ترین حدیث این بخش است- حسین بن حمدان، نسیم خادم، ابی نصر خادم، ابوسعید هندی و دیگران سخن رفته است.

۱۱. علامات ظهور (ص ۳۰۵-۳۲۵).

در این بخش حدیثی از امام صادق (ع) درباره حضرت و غیبت او ذکر شده و بدین پرسش پاسخ داده است که چرا امامت در نسل امام حسین- علیه السلام- است.

۱۲. بازگشت و دولت مهدی- علیه السلام- (ص ۳۲۹-۳۶۱).

در این بخش، از اوصاف حضرت به هنگام بازگشت و حال بندگان و شیعیان پس از قیامت، و گسترش علم و عقل و امنیت و برکت در آن زمان سخن می‌رود.

مؤلف بزرگوار، کتابش را آکنده از مطالب حدیثی، تفسیری، تاریخی، کلامی ساخته و مجموعه‌ای دلپذیر و خواندنی فراهم آورده است.

در مقدمه خواندنی و پر فایده کتاب از نسب مؤلف (همراه با

توضیحات فراوان)، اساتید و مشایخ، شاگردان و راویان، آثار متعدّدش- که برخی از آنها برای نخستین بار از متن «الانوار المضيئة» استخراج شده و معرفی گردیده است- گفتار بزرگان درباره شخصیت مؤلف، نام و اهمیت و ارزش کتاب، روش تحقیق و نسخه‌های مورد استفاده، سخن رفته است و به تفصیل از کتاب «الانوار المضيئة» و منتخب آن و اثبات صحّت انتساب آن به علی بن عبدالکریم نیلی بحث شده است.

سپس متن کتاب، با سه نسخه خطی مقابله شده و در مواردی که هر سه نسخه دارای اشکال بوده، از نسخه اصل کتاب- که در کتابخانه مجلس موجود است- استفاده شده و آن را با مصادر اصلی کتاب سنجیده‌اند. تخریج آیات، روایات، استخراج مطالب از مصادر گوناگون، توضیح لغات، شرح حال رجال و راویان متن، توضیح مکان‌ها و جای‌ها، اشاره به مطالبی که همگون با متن، در گذشته یا آینده کتاب خواهد آمد، ذکر گفتار اعلام شیعه و سنی در تأیید متن، در پاورقی از ویژگی‌های کتاب است. پایان بخش کتاب هم، فهرس گوناگون است.

کتاب، هم از نظر موضوع مهم و قابل توجه است و هم از نظر مؤلف؛ زیرا اولین کتاب چاپی از علی بن عبدالکریم نیلی است. نیز از مصادر بحار و کتاب‌های دیگر حدیثی است. شیوه تحقیق کتاب هم، چشمگیر و قابل تقدیر است. در این تحقیق، دقت فراوان شده تا اشتباهی در نقل اختلاف نسخ، ذکر منابع و مصادر، اختلاف مصادر یک روایت در نقل، رخ ندهد و در این کار کسما و سواس به کار برده شده است. وثوق و صداقت راویان سنی به نقل از رجال عامه بررسی شده و صحّت احادیث مربوط به امام عصر نمایانده شده است.

محققین، گاه در تأیید متن از دیگر کتاب‌ها یا احادیث دیگر، استفاده نموده و بر غنای متن بسی افزوده‌اند و در پاورقی‌ها، افزون بر تخریج، به مطالب خواندنی دیگر نیز، اشارت نموده‌اند. چاپ و صحافی زیبا و متن صحیح و بی غلط از ویژگی‌های دیگر این اثر است.

توفیق بیش از پیش محققان و مؤسسه امام هادی- علیه السلام- را در ارائه آثاری دیگر از این دست، از خدای بزرگ خواستاریم.

ناصرالدین انصاری قمی

○